

پنجشنبه
۱۸ مهرماه ۱۳۹۲
بیست صفحه

پروانه‌ها

صدایی در تاریکی شنیده شد
ناصر طهماسب:
ما با لحنمان می نویسیم
مراسم رونمایی از کتاب «صدایی در تاریکی» برگزار شد

مهتاب کرامتی سفیر صلح یونیسف
رسالت سینمای کودک
نزدیک کردن مردم جهان به یکدیگر

دوبله هم‌زمان
فیلم‌های بخش بین‌الملل
یکی به جای همه



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

عملیات مهد کودک



نشریه روزانه



● مراسم رونمایی از کتاب «صدایی در تاریکی» برگزار شد



ناصر طهماسب: ما با لحمان می نویسیم

نشست رونمایی از کتاب **صدایی در تاریکی** شب گذشته در سالن چشم انداز هتل کوثر شهر اصفهان برگزار شد. این کتاب که به همت نیروان غنی پور نوشته شده، در مورد ۵۰ سال حضور ناصر طهماسب در امر دوبلاژ در سینمای ایران است. در ابتدای این نشست که با حضور چهره‌های زیادی از جمله علی معلم، مهتاب کرامتی، مهدی پاکدل، بهنوش طباطبایی، حامد بهداد، احمد میرعلایی، غلامرضا آزادی، فریال بهزاد، مریم شیرزاد و... برگزار شد، علی معلم در سخنانی به تجلیل از شخصیت و سابقه ناصر طهماسب پرداخت و سپس از غنی پور دعوت کرد که سخنانش را آغاز کند.

غنی پور با اشاره به این که منابع محدودی در مورد دوبلاژ وجود دارد، گفت: دیدم که در این زمینه کار خاصی صورت نگرفته، دست به کار شدم و گفت و گوهای بلندی با آقای طهماسب ترتیب دادم؛ در واقع یک تاریخ نگاری دوباره. این کتاب سال ۹۰ نوشته و تمام شد، اما انتشاراتی‌ها فکر نمی کردند که چنین چیزی می تواند جذاب باشد. تا این که خدمت آقای تابش رسیدیم و ایشان با آقای میرعلایی هماهنگ کردند و کار به انجام رسید و به پیشنهاد آقای میرعلایی قرار شد که برای ایشان بزرگداشت نیز بگیریم.

در ادامه علی معلم به نقل دیالوگی از علی حاتمی پرداخت و گفت: در برخی فیلم‌های ما ارزش کلمه اصلاً وجود ندارد. مرحوم علی حاتمی در مورد فیلم **کمال الملک** گفت که این فیلم با صدای طهماسب احیا شد.

پس از آن طهماسب با تشویق حضار گفت: علی حاتمی به من گفت که باید **کمال الملک** را دوبله کنیم، اما مطمئن نبودم که کار خوب شود. اما کار کردیم و به قولی فیلم یک اثر هنری شد. فیلمی شد که در آن صدا خوب بود، وزن دیالوگ‌ها خوب بود و ماندگار شد. اما در حال حاضر دوبله مغفول مانده. دوبله یک چیز خلق الساعه نیست. چیزی است که درست شده. یک کار تراش خورده و تمیز که عده‌ای بلد هستند آن را خوب انجام دهند. اگر دوباره فیلم‌ها دوبله شود، به نظرم اتفاق خوبی می افتد. باید فیلم‌های خارجی به کشور بیایند و دوبله شوند. این روزها متن وارد کشور نمی شود و دیالوگ‌ها خوب نیستند. ما با خودمان که نباید مسابقه بدهیم، باید سینماها را باز کنیم، چون سینما جایی است که شما در سکوت و تاریکی خود را پیدا می کنید.

پس از پایان صحبت‌های طهماسب که با تشویق حضار همراه شد، نوبت به احمد میرعلایی رسید تا مختصری برای حضاران سخن بگوید. میرعلایی با بیان این نکته که نمی تواند به اندازه طهماسب در مورد سینما سخن بگوید، گفت: من همیشه مرید آقای طهماسب بوده‌ام. ایشان با تمام وجود کار می کنند تا کار را خوب دوبله کنند. من قبلاً خودم دوره دوبله گذرانده بودم، اما دوبلور خوبی نبودم. ولی یک بار سر کار ایشان حاضر شدم و دیدم که با حسن نظر ایشان، همه راحت کار می کردند. دیدم که وقتی ایشان دوبلور بودند و مدیر دوبلاژ کس دیگری بود، با متانت تمام شاگردی می کردند و این یعنی استاد بزرگی پشت این چهره است.

در پایان مراسم و با اتمام سخنان میرعلایی، از کتاب **صدایی در تاریکی** توسط ناصر طهماسب رونمایی شد. تعداد محدودی از این کتاب نیز به هنرمندان حاضر در سالن اهدا شد.

● نمایش، نقد و بررسی آثار اصفهان

فیلم‌های **آن جا بالای پله**، **مهربان ترین**، **قایق کاغذی**، **درس بزرگ**، **کاش ظهر نشه**، **من و فلامینگو**، **بید نابینا**، **دختر خفته** و **یک روز رویایی** در شب‌های گذشته به نمایش و نقد و بررسی گذاشته شد. امشب و در آخرین جلسات این برنامه نیز سه فیلم **بهار یعنی زندگی**، **زنگوله** و **امید** به نمایش در آمده و با حضور کارگردانان و نقد و بررسی می شود.

۱۱ فیلم کوتاه تولید شده در بیست و هفتمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، با حضور رهبر قنبری فیلم‌ساز و منتقد، آکران و نقد و بررسی شد. این فیلم‌ها که به تهیه کنندگی دبیرخانه بیست و هفتمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان ساخته شده است، در برنامه‌های چهار روزه به نمایش درآمد و با حضور کارگردانان آثار به نقد و بررسی گذاشته شد و پرسش‌های حضاران نیز مطرح شد.



سینمای کودک به امکانات سخت‌افزاری نیازمند است



مازیار فکری ارشاد

سال‌ها پیش در میانه دهه ۱۳۶۰ سینما بلوار (واقع در بلوار کشاورز) سالن اختصاصی نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان بود. بخشی از بهترین خاطرات سینمایی من و هم‌نسلانم در تاریکی سالن این سینما رقم خورده است؛ سینمایی که حتی سالن انتظارش متناسب با روحیات کودکان طراحی شده بود و همیشه هم لبالب از مخاطب والدینی که فرزندان خود را به تماشای فیلم‌های جذاب کودکان می بردند، بچه‌هایی که با تماشای فیلم‌های ایرانی و خارجی ویژه کودکان و نوجوانان شیفته سینما شدند. اما امروز دیگر از آن رونق و شکوفایی خبری نیست. سینما بلوار سالنی ورشکسته و متروک است که دیگر کسی رغبت تماشای فیلم در آن را ندارد. حتی با روی صحنه بردن نمایش‌های تخت حوضی و به اصطلاح لاله‌زاری.

امروز دیگر هیچ سالن اختصاصی برای نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان وجود ندارد. حتی پردیس‌های چند سالنه سینمایی هم که با حمایت و سرمایه‌گذاری شهرداری ساخته می‌شوند، توجهی به نیاز طبیعی کودکان و نوجوانان ندارند و آکران فیلم‌های این رده سنی، آشفته و بی‌نظم صورت می‌گیرد. تا جایی که فیلم‌های کودک و نوجوان پس از مدت‌ها انتظار و ماندن پشت خط آکران، در هیاهوی شهر، دیده نمی‌شوند و مخاطبان واقعی خود را نمی‌یابند. واقعاً چرا متولیان امر دیگر دغدغه نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان را ندارند؟ حتی سالن کوچک و زیبایی سینما کانون هم از آکران فیلم‌های حوزه کودک و نوجوان ابا دارد و جایگاهی برای تئاترهای عامه‌پسند شده است.

تا زمانی که سالن‌هایی اختصاصی برای کودک و نوجوان در نظر گرفته نشود، نه تنها برگزاری جشنواره ویژه کودک که حتی تولید فیلم‌هایی از این دست کم اثر است. این فیلم‌های تولید شده در مارتن نفس گیر آکران، نادیده گرفته می‌شوند و هیچ سینماداری تمایلی به آکران فیلم‌های کودکان ندارد. والدین هم از نمایش مهجور و بی‌سروصدای فیلم‌های کودک و نوجوان در لابه‌لای فیلم‌های بزرگ‌سالان بی‌خبر می‌مانند و این همه سرمایه و انرژی تلف می‌شود. اگر به طور جدی و واقعی سینمای کودک و نوجوان می‌خواهیم، باید شرایط درستی برای نمایش این گونه فیلم‌ها و هدایت مخاطبان حقیقی این آثار به سالن‌های اختصاصی را فراهم آوریم. به عنوان نمونه می‌توان با ایجاد سالن‌های موقتی و پرتابل (شبهه آن چه به سینمای چهاربعدی و پنج‌بعدی! موسوم شده) در پارک‌ها و هدایت کودکان به سمت این سالن‌ها به شکوفایی و رونق سینمای کودک باری رساند. در این زمینه مدارس هم می‌توانند با برنامه‌ریزی و همکاری با شهرداری‌ها زمینه را برای ایجاد بستری مناسب برای شکل‌گیری سالن‌های کوچک و قابل حمل در پارک‌ها و دیگر اماکن عمومی فراهم سازند. اگر سینمای کودک پویا می‌خواهیم، باید امکانات سخت‌افزاری آن را نیز ایجاد کنیم. اگر مخاطب حرفه‌ای سینمای کودک می‌خواهیم، باید شرایط لازم برای تربیت چنین مخاطبی را هم مهیا سازیم. سینمای کودک و نوجوان به سالن‌های اختصاصی و ویژه این آثار نیازمند است. شعار دادن کافی است، زمان اجرا کردن وعده‌ها فرا رسیده است.



[خبر]



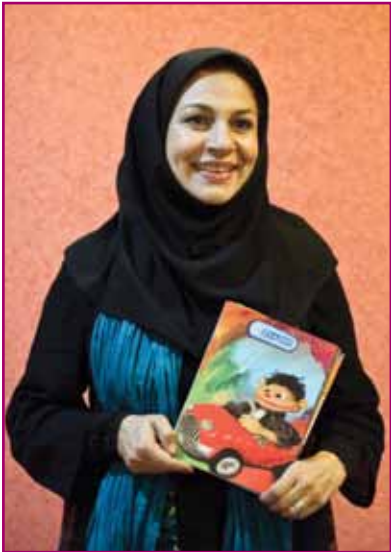
بیست و هفتمین
جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های کودکان و نوجوانان

27th

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS
FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS

● دفترچه و خبرگزاری سنجدی

دفترچه‌های منقش به عکس سنجد، توسط شرکت آزاده تولید شد. این دفترچه‌ها که با برند آزاده و در راستای شعار تولید ملی و فرهنگی ایرانی تولید شده، امروز صبح در طبقه هفتم هتل کوثر اصفهان و در حاشیه برگزاری بیست‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم کودک، رونمایی شد. نگار استخر، عروسک‌گردان و صداپیشه سنجد،



در مورد چاپ این دفترچه‌ها گفت که هدف بعدی این شرکت، تولید نوشت‌افزار با طرح سنجد است. عروسک سنجد که در این دوره از جشنواره حضور دارد، گزارش‌ها و خبرهای روزانه جشنواره را، به زبانی ساده برای بچه‌ها منعکس می‌کند. نگار استخر با اشاره به فعالیت سنجد خبرنگار در روزهای جشنواره، گفت: هر روز سنجد گزارش‌هایی را از جشنواره تهیه و با خبرنگاران و داوران کودک ارتباط برقرار می‌کند. او ادامه داد: سنجد با کارگردانان مطرحی که در این جشنواره فیلم دارند و هم‌چنین هنرپیشه‌ها و شخصیت‌هایی که چهره‌های محبوب و شناخته‌شده‌ای برای بچه‌ها هستند، مصاحبه می‌کند. عروسک‌گردان و صداپیشه سنجد، با اشاره به محبوبیت سنجد در میان کودکان گفت: اقبالی که سنجد و هم‌نسل‌های آن داشتند، این بود که سال‌های خلق این عروسک‌ها امکانات دیداری زیادی در اختیار بچه‌ها نبود و با یک فکر خوب و پشتکار می‌توانستیم شخصیتی را خلق کنیم که در بین بچه‌ها محبوب شود. استخر علت ماندگاری سنجد را در این سال‌ها، باورپذیر بودن این عروسک به عنوان موجودی زنده در قالب شخصیت یک خبرنگار دانست. این‌که بیننده او را به عنوان موجودی که بین بچه‌ها رفت و آمد و با آن‌ها زندگی می‌کند، قبول کرده‌است.

او هم‌چنین در مورد بازگشت سنجد پس از چند سال وقفه در فعالیت‌هایش، گفت که این کار با شکل‌گیری خبرگزاری سنجد همراه بود. به این علت که بچه‌ها خود بتوانند به عنوان خبرنگار داوطلب با سنجد همکاری و نگاه دقیق‌تری به اطرافشان داشته باشند.



● معرفی آدرس اینترنتی امضای نامه کودکان اصفهانی به بان کی مون

نامه نمادین صلح‌طلبی جهانی خطاب به بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل، طی مراسم رونمایی از تندیس درنای کاغذی در کتابخانه مرکزی اصفهان توسط شایان گودرزی عضو هیئت داوران کودک و نوجوان جشنواره خوانده شد. متن امضای نامه کودکان دنیا به سازمان ملل به دو زبان فارسی و انگلیسی در سایت اینترنتی برای دیگر امضاکنندگان گذاشته شده است. این نامه که روی بنر بود، ابتدا توسط دبیر جشنواره، سیروس حسن‌پور، ساساکی ماساهیرو، یوجی ساساکی و سپس بچه‌های اصفهانی امضا شد.

آقای بان کی مون عزیز، سلام

ما کودکان دنیاییم. همه از دوست داشتن ما حرف می‌زنند. اما واقعاً کسی به فکر ما هست؟ آدم بزرگ‌ها از کودکی‌شان دور شده‌اند، آن‌قدر دور که حتی دیگر خواب دریا و آسمان را هم نمی‌بینند. یادشان رفته که روزی دست‌هایشان پر از شاپرک‌های مهربانی بود. ما کودکان بادی‌ک‌های دعا را از هر جای دنیا به آسمان می‌فرستیم تا خدا آن‌ها را ببیند و صلح و دوستی را به دل‌ها برگرداند. چقدر آشتی خوب است، وقتی هوای صلح را نفس بکشیم، همه شبیه هم می‌شویم و با هم دنبال بهشت می‌گردیم. بیایید دوباره خودمان را به خدا برسانیم. آقای بان کی مون! ما از جنگ بیزاریم، ما حتی دوست نداریم پدر و مادرمان با هم قهر کنند، چون فکر می‌کنیم این هم یک جنگ کوچک است. ما امضاکنندگان این نامه اعلام می‌کنیم دیگر حتی در دیکته‌ها و مشق‌مان هم نمی‌خواهیم از جنگ و ترور و اشغال بنویسیم، و به جای همه این کلمات خیلی خیلی بد فقط می‌نویسیم صلح، دوستی، آشتی، مهربانی... آن‌قدر می‌نویسیم تا فقط صلح نمره بیست بگیرد. آقای بان کی مون! ما کودکان بیشتر از همه قربانی جنگ آدم بزرگ‌ها می‌شویم، بدون آن‌که نقشی در جنگ‌ها داشته باشیم...

آقای بان کی مون! می‌گویند شما رئیس سازمانی هستید که نمایندگان تمام دنیا در آن جمع می‌شوند. به آن‌ها دیکته بگویید و وادارشان کنید از صلح بنویسند. به آن‌ها درس تاریخ بدهید و به یادشان بیاورید که ما همه پیروان پیامبران آسمانی هستیم که درس بزرگشان مهر ورزیدن و صلح بود. آقای بان کی مون! به نمایندگان همه دنیا بگویید انشا از آشتی و دوستی بنویسند، دستور بدهید نقاشی بکشند در مورد دوست داشتن. بگویید کودکان دنیا دارندگان بمب‌ها را دوست ندارند، بگویید برای دوست شدن با کودکان دنیا اول باید تمام بمب‌های شیمیایی را دور بریزند. آقای بان کی مون! ما از شما که رئیس هستید، می‌خواهیم دستور بدهید یک سازمان بزرگ و قدرتمند تشکیل شود تا از حقوق کودکان درگیر جنگ دنیا دفاع کند. شما بخواهید، ما هم دعا می‌کنیم و خدا هم حتماً کمک می‌کند. ما منتظریم تا عطر دل‌نشین گل صلح و دوستی در تمام دنیا بپیچد. در پایان از همه بزرگ‌ترها هم که همراه ما نامه را امضا می‌کنند، متشکریم...

امضا: منتظران صلح سراسر دنیا
بیست‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان
۱۶ مهر ۱۳۹۲ - ۸ اکتبر ۲۰۱۳

نشانی اینترنتی:

<http://www.ipetitions.com/petition/defend-the-rights-of-the-war-hit-children>



● نتایج روز سوم آرای مردمی (۱۷ مهر)

ردیف	نام فیلم	امتیاز
۱	عملیات مهدکودک	۱/۶۹۹۰
۲	تنهای تنهای تنها	۱/۰۵۶۰
۳	دل بی‌قرار	۰/۸۰۹۷
۴	فصل بلوغ	۰/۶۵۹۴
۵	افسانه سرزمین گوه‌ران	۰/۴۶۶۸
۶	سفر زمان	۰/۴۶۰۰

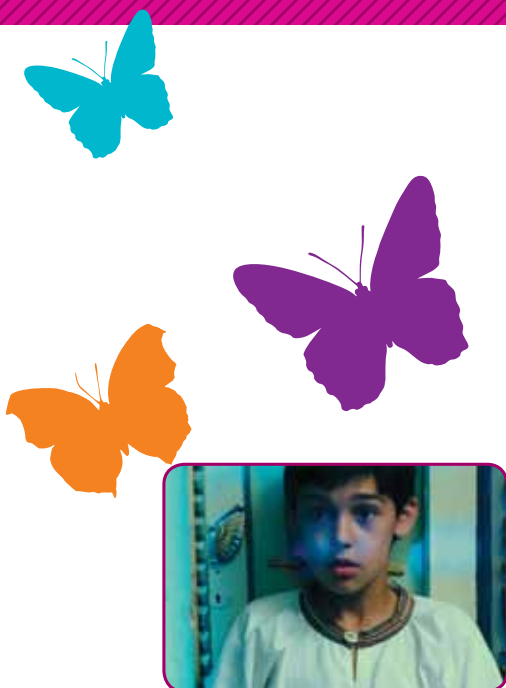
امتیازهای اعلام‌شده بنا بر آرای صندوق‌های موجود در سینماهای مردمی سطح شهر هستند که با نظارت نمایندگان جشنواره به هنگام شمارش اعلام شده است. لازم به ذکر است این آرا در دو روز آینده و با نمایش فیلم‌ها در سالن‌های سینما تغییر خواهد کرد.



● خالق بنش و هیئت یونیسیف با اهالی رسانه

در ادامه برنامه‌های حاشیه‌ای جشنواره، امروز دو نشست برگزار خواهد شد. نشست نخست متعلق به مارک بنش، فرزند لوبومیر بنش، خالق پت و مت است. او که هشت قسمت پایانی این سریال را به جای پدر خود ساخته است، پنج‌شنبه ساعت ۱۶ مقابل اهالی رسانه خواهد نشست تا به سؤال‌های آنان پاسخ دهد. دومین نشست امروز نیز متعلق به هیئت یونیسیف جشنواره فیلم کودک و نوجوان است که ساعت ۱۹ برگزار شده و به پرسش‌های اهالی رسانه پاسخ خواهند داد. این دو نشست در طبقه هفتم هتل کوثر برگزار خواهد شد.





یکی به جای همه

صدایش را بالا بیاورد، پیر یا جوان کند. خب مردم از این کار خوششان می‌آید و برایشان جالب است. نرگس فولادوند و ویدا شعشعانی نیز دو گوینده‌ای هستند که در اصفهان به دوبله فیلم‌ها مشغول هستند. شعشعانی که سابقه بسیاری در دوبله دارد، در همین رابطه بیان کرد من مدت زیادی است که به جشنواره کودک می‌روم. به قدری مردم به هنرمندان احترام می‌گذارند و محبت می‌کنند که همه‌مان انرژی می‌گیریم. بعد از همه این سال‌ها دیگر برایم کار سختی نیست و به نظرم همه کسانی که در کار دوبله هستند و فکر می‌کنند از عهده این کار برمی‌آیند، باید آن را تجربه کنند. استقبال هم هر چقدر که باشد، چون عاشق کارمان هستیم، از همان ۲۰ نفری هم که توی سالن حضور دارند، انرژی می‌گیریم. گروهی هم که همراهمان است، بسیار خوب و بسا محبت‌اند. گروهی که به خوبی می‌دانند باید چه کار کنند. چطور با هنرمندان رفتار کنند و در همه چیز دقت به خرج می‌دهند. برای همین زمانی که می‌خواهیم به سینما برویم، می‌دانیم که همه چیز مرتب است، چون بیشتر این دوستان مقدمات را مهیا کرده‌اند. فولادوند هم که برای دومین بار به این جشنواره می‌آید، می‌گوید: استقبال از جشنواره بسیار جالب و عالی است. اصفهانی‌ها منتظر رسیدن جشنواره هستند و از هر نظر حضور در این جشنواره برایمان جالب بود. بسیار پیش آمده که هنگام دوبله بچه‌ها برمی‌گردند و نگاهمان می‌کنند. دختر بچه‌ها می‌آمدند نزدیک میز بینند ما چه کار می‌کنیم. من هم سعی کردم بیشتر متوجهشان کنم. مدام سؤال می‌پرسیدند و من واقعا لذت می‌بردم. امکانات هم در این زمینه بسیار تأثیر دارد. اگر هماهنگی لازم صورت نگیرد، زحمات فشرده‌ای که دوستان می‌کشند، طبعاً نتیجه خوبی حاصل نمی‌شود. در حد امکان همه چیز خوب است، ولی خب هر چه امکانات بهتر باشد، کار هم بهتر انجام می‌شود. چون مردم واقعا دوبله را دوست دارند و بچه‌ها بسیار استقبال می‌کنند و این واقعا برای من لذت‌بخش بود.

بخش بین‌الملل جشنواره به اصفهان آمدند. بد نیست از زبان خودشان، این تجربه دشوار و در عین حال لذت‌بخش را بخوانیم. مریم شیرزاد، گوینده و مدیر دوبلاژ باسابقه، یکی از کسانی است که به این جشنواره آمده. او درباره کیفیت و حس‌وحال این تجربه می‌گوید: اولین بار من برای دوبله هم‌زمان همراه آقای خسروشاهی و همسرشان خانم کاتبی به جشنواره رفتم و استقبالی هم که صورت می‌گرفت، به نوعی حاصل حضور ایشان و دوبله‌های قدر دیگری مثل آقای نوذری یا آقای مقامی بود. در گذشته تبلیغات بهتری برای فیلم‌ها انجام می‌شد و استقبال بیشتری هم صورت می‌گرفت. ولی مثلاً سال گذشته که من رفتم، با این‌که دوبله‌های خوبی حضور داشتند، کیفیت فیلم‌ها کمی پایین‌تر از گذشته بود. دوبله هم‌زمان می‌تواند باعث رونق جشنواره شود و واقعا این جشنواره را بدون دوبله هم‌زمان نمی‌توان تصور کرد. درحالی که کار بسیار سنگینی است، انرژی زیادی از تان گرفته می‌شود. ولی در عین حال کار بسیار لذت‌بخشی است. پرویز ربیعی دیگر دوبلوری است که به این جشنواره آمده و اتفاقاً یکی از گویندگان فیلم **کلاه جادویی** هم بود. او درباره این تجربه می‌گوید حدود ۲۱ سال است که برای دوبله هم‌زمان به جشنواره فیلم کودک می‌روم. تماشاگرانی که سال‌ها فیلم‌ها را در تلویزیون دیده‌اند و با صدای دوبله‌ها آشنا بودند، حالا می‌توانند با آن صداها از نزدیک آشنا شوند و ببینند مثلاً فلان صدای هنرپیشه را چه کسی می‌گفته است. بعضاً پیش می‌آید بیش از این که فیلم را نگاه کنند، برمی‌گردند و دوبله‌ها را نگاه می‌کنند و بعد از پایان فیلم می‌آیند سر میز گوینده‌ها و از آن‌ها تشکر می‌کنند، امضا می‌گیرند و ابراز احساسات می‌کنند. دوبله هم‌زمان برای کودکان و بزرگسالان جذابیت خودش را دارد. ضمن این‌که باید اشاره کنم این کار مقدمات و سختی‌های خودش را دارد و حتی به مراتب از دوبله داخل استودیو سخت‌تر است. یک گوینده باید به جای چندین شخصیت صحبت کند،

وارد سالن که می‌شوم، صدای خنده بچه‌ها از هر گوشه‌ای شنیده می‌شود. نشست‌اند به تماشای فیلم ازبکستانی **کلاه جادویی** که داستانی فانتزی دارد. پسر بچه‌ها لحظه به لحظه با اتفاقاتی که در فیلم می‌افتد، همراه می‌شوند. دختر بچه‌های هر از چندگاهی نگاهش را از پرده می‌دزدند و خیره می‌شوند به گوشه سالن. چهار نفر در انتهای سمت چپ بالکن سینما همه تلاششان را می‌کنند تا به بچه‌ها خوش بگذرد. چهار گوینده با تجربه که به تنهایی جای همه شخصیت‌ها حرف می‌زنند. جای همه می‌خندند و جای همه‌شان ناراحت یا عصبانی می‌شوند. صدای اصلی فیلم هم شنیده می‌شود. ولی آن قدر در بزنگاه‌های مناسب واکنش‌های درستی نشان می‌دهند و توجه مخاطب را جلب می‌کنند که به چشم نمی‌آید. شخصیت‌های فیلم زیادند و دو گوینده زن تقریباً به شکل‌های مختلف، جای همه آن‌ها حرف می‌زنند. دختر بچه‌ای از مادرش اجازه می‌گیرد و می‌رود روی صندلی کنار میز گویندگان می‌نشیند. نگاهشان می‌کند و لبخند می‌زند. اصلاً این حس به آدم دست نمی‌دهد که فیلم هم‌زمان در حال دوبله شدن است. همان حس‌وحالی که هنگام تماشای فیلم دوبله‌شده منتقل می‌شود، این‌جا هم ملموس است. تماشای گویندگان هنگام دوبله فیلم خود یک تجربه هیجان‌انگیز است. با فیلم دیدن در تلویزیون فرق دارد. حتی با فیلم‌های دوبله‌شده‌ای که در سینما پخش می‌شود. از آن جالب‌تر عکس‌العمل بچه‌هاست. کار سختی است و اگر بدانیم که این کار را در روز چندین بار تکرار می‌کنند، احتمالاً نخواهیم توانست خودمان را جای آن‌ها تصور کنیم. جای گوینده‌ای که در چهار روز روزی چندین نوبت در تمام مدت یک فیلم سینمایی پشت میز می‌نشیند، با چند چراغ مطالعه از روی متن می‌خواند و در لحظه حس کاراکترهای فیلم را به خود می‌گیرد و مخاطب را وارد دنیای فیلم می‌کند. هر نفر جای چند نفر. جای کودک و پیر و جوان با نقش‌های مختلف. امسال نیز چهار گروه مختلف برای دوبله فیلم‌های



حاشیه نگاری

نکته‌سنجی محال است

وقتی وسعت آسمان به اندازه قاب پنجره‌هایی باشد که در نهایت سخاوت مقابل تو ایستاده‌اند، گذر زمان نیز به قد همین چهارچوب است. همین می‌شود که تغییر روز و شب را با سفیدی و سیاهی پشت شیشه‌ها می‌فهمی. این خصلت بولتنی است، همه می‌دانند. تمام کسانی که روزی به جشنواره آمده‌اند، آنان که کار خبری می‌کنند و کسانی که با اهالی رسانه در ارتباط اند. همان‌هایی که هر بار تو را در میانه راه می‌بینند، خسته نباشیدی کش‌دار بهت می‌گویند و خستگی‌ات را می‌گیرند.

سه روز گذشته و نیمه دوم مهمانان به اصفهان آمدند. این بار اکثر مهمانان خارجی هستند با زبان‌های متفاوتی که در مقابل تعارف‌ها و لبخندهای مداوم آسانسوری‌شان، مجبور به سر تکان دادن با لبخندی. لابی هتل شلوغ است. چیزی شبیه اصطلاح سوزن را بیندازید و... صدای چرخ چمدان‌ها در همه‌جا می‌ماند گم می‌شود. از این حجم مهمان سالن لابی هتل هم کش آمده! سلام و علیک‌هایی که در هوا می‌چرخند و آشنایانی که همدیگر را می‌یابند. حتی این فضای شلوغ هم بعد از مدتی برای عادی می‌شود تا این که کسی از دور می‌آید. آرام می‌آید و با اسکورتی از آدم‌های علاقه‌مند که حتی نمی‌گذارند درست قدم بردارد. او سال‌هاست به این صحنه‌ها عادت دارد. همین است که دیگر لبخند نیز روی لبانش خشکیده و نمی‌تواند مقابل دوربین‌های موبایل این‌همه طرفدار مشتاق دیرین و تازه خود خنده‌ای بر چهره بدوزد. با این وجود آن قسمت که او و طرفداران و موبایل‌های در هوا ایستاده‌اند، از سایر قسمت‌های لابی شلوغ‌تر و امکان رسیدن



سوزن به زمین ناممکن‌تر است!

کمی آن طرف‌تر مردی ایستاده که شبیه به هیچ‌کسی نیست. عدم شباهتش را روپوش سفید و کلاه بزرگش می‌سازد. گویی به دست دارد. هم‌زمان با سه نفر دیگر در حال صحبت است. اصراری ناپایان میانشان ردوبدل می‌شود. آشپز همان غذاهایی که روزی دو وعده مورد نقد و بررسی جدی تمام مهمانان هتل قرار می‌گیرد. اما این‌جا و حالا کسی حواسش به او نیست تا مستقیم از خودش در مورد کیفیت آثار تولیدی‌اش بپرسد.

جماعت تازه از راه رسیده نه گرسنه بودند که سالن غذاخوری را پر کنند و نه خسته که به اتاق‌هایشان بروند. همه تصمیم گرفته بودند سرپا بایستند و گپ بزنند. ساعتی گذشت و هیچ‌کس تصمیم نگرفت موضع خود را تغییر دهد و همان‌طور پابرجا و استوار بر جا مانند. تا این که روابط عمومی در یک حرکت خیرخواهانه اعلام کرد که نشست رونمایی از کتابی در طبقه آخر هتل برگزار می‌شود. کافی بود نام سوزنه کتاب عنوان شود تا همه به طبقه انتهایی بیایند. این‌جا شلوغ‌تر هم شده بود. نام ناصر طهماسب، مرد صدا، بهانه اولی بود و بهانه دوم، دیدن مهمانان دیگر، ساینی را که چند روزی بود به مهمانی آمده بودند و حالا باید در اتاق‌هایشان به سر می‌بردند، به جلسه کشاند. مدتی همه منتظر ماندند تا میکروفون به ناصر طهماسب برسد و صدای او را بشنوند. کلماتی که لبریز از خاطره و حس بودند در میانه کلام مجبور به سکوت شدند؛ از احساساتی که با کف‌زدن‌های مرتب و طولانی حاضران آبراز می‌شد.

گفته بودیم از ناممکن‌ها نگوئیم. اما از آن جایی که امر محال، محال است، گاهی برخی اتفاقات ناممکن هم ممکن می‌شوند. سالن سینما. نمایش فیلم. موبایل در رقابت با صدای فیلم و مهمانان. یک بار پسری است که صدای درد دل کردنش زیر صدای فیلم شنیده می‌شود، بار دیگر پارازیت‌های موبایلی است که روی صدای میکروفون‌ها اثر می‌گذارد. شاید باز هم همان پسر باشد.



نشست خبری نصب تندیس «بال‌های سپید»

ساساکی: رتبه اول صلح‌دوستی به ایران می‌رسد

نشست خبری تندیس درنای کاغذی، عصر دیروز در محل روابط عمومی جشنواره برگزار شد. این نشست خبری با حضور یوجی ساساکی و ساساکی ماساهیرو (آوردگان تندیس «بال سپید»)، جعفر گودرزی مدیر اجرایی جشنواره، سیروس حسن‌پور کارگردان و جمعی از اهالی رسانه برگزار شد. در ابتدای این نشست یوجی ساساکی، برادرزاده ساداگو و هم‌چنین ساساکی ماساهیرو، رئیس بنیاد ساداگو به تشریح فعالیت‌هایشان در کشورهای دیگر پرداختند. ساساکی در این نشست عنوان کرد که ایران چهارمین کشوری است که این درناها به آن هدیه می‌شود. آمریکا یکی از کشورهای است که قبل از ایران، درنای کاغذی به آن اهدا شده. ساساکی در این باره گفت: کشور ما قربانی حملات اتمی آمریکا است. ما این درناها را به نیویورک بردیم تا بگوئیم قصد صلح داریم. او گفت پیام ما به مردم آمریکا این بود که ما می‌دانیم شما چه مشکلاتی دارید، شما نیز بدانید که ما چه مسائلی را از سر گذرانده‌ایم.

در ادامه حسن‌پور با اشاره به این که در این زمینه در حال ساخت یک فیلم است، گفت: ایده این که چهارمین درنا به کشورمان تقدیم شود، پیشنهاد من بود. او گفت که در فیلم او برای این که چهارمین درنا به چه کشوری تقدیم شود، مسابقه‌ای برگزار می‌شود که ایران برنده آن خواهد بود و درنا به ایران تقدیم می‌شود. او هم‌چنین اضافه کرد که از مراسم نصب تندیس در اصفهان، فیلم‌برداری کرده که ممکن است پایان‌بندی فیلم او، با استفاده از این تصاویر صورت گیرد.

گودرزی نیز گفت: وقتی قرار شد این فیلم ساخته شود، به همراه آقای میرعلایی به ژاپن رفتیم. قرار بود که این تندیس در یکی از میادین نصب شود و حالا این تندیس نصب شده و برای همیشه در اصفهان خواهد بود و ما هم تندیس پروانه زرین را به این آقایان اهدا کردیم تا در موزه صلح ژاپن قرار گیرد. گودرزی هم‌چنین گفت با توجه به این که شعار امسال جشنواره، حمایت از کودکان درگیر جنگ است، جشنواره کودک باعث شده تا جهان نیز بداند که ایران نیز قربانی سلاح‌های کشتار جمعی بوده.

در پایان این نشست ساساکی بیان کرد که ما نمی‌دانستیم که در ایران و عراق نیز جنگ بوده و این کشورها نیز قربانی بوده‌اند. او گفت: من در این روزها کاملاً متوجه شدم که ایرانی‌ها اصلاً جنگ را دوست ندارند و آن را نمی‌خواهند؛ به‌خصوص برای کودکان. او با بیان این که بین کشورهای ایران و آمریکا دوستی است، گفت: نظر من این است که ایران در دوست داشتن صلح در دنیا، در رتبه اول است.





نشست فیلم «بجگیتو فراموش نکن»

استفاده از ظرفیت بالقوه سینمای کودک

مجری کارشناس: علی علایی

مهمانان: محمدحسن نجم (تهیه کننده)، بهنام تشکر (بازیگر)، سوگل نصرتی (بازیگر خردسال)، پارسا مشیری (بازیگر خردسال)

علایی: خوشحالم که بالاخره فیلمی برای کودکان دیدم و مخاطبان اصلی آن هم در سالن حضور داشتند. متأسفانه جلال فاطمی در این جشنواره حضور ندارد و خیلی نمی‌شود درباره مسائل فنی و محتوایی فیلم صحبت کرد. البته شخصاً معتقدم فیلم در قسمت‌هایی که به کودک نمی‌پردازد، دچار نوعی شعارزدگی شده است.

نجم: درباره روند تولید این فیلم باید بگویم زمانی که آرش برهانی این فیلمنامه را به من دادند، پسندیدم و فاطمی را برای کارگردانی آن دعوت کردم. پیش از این البته سناریو سه یا چهار بار بازنویسی شده بود و پس از تصمیم به ساخت آن نیز توسط خود فاطمی، برهانی و دین محمد حدود ۱۳ بار دیگر بازنویسی شد. علت مطرح کردن بحث ازدواج و خواستگاری در فیلم به دلیل جذابیت و موقعیت طنزی که می‌شد در آن به وجود آورد، در سناریو آمده بود. ضمن این‌که مسائل دیگری هم برای نشان دادن انتقال دنیای بزرگ‌ترها به کودکان در فیلم وجود دارد. به هر حال بحث حضور تکنولوژی پیش از فرهنگ، استفاده از آن موضوعی است که در جامعه ما وجود دارد. باید قبول کنیم که تکنولوژی هم قابلیت استفاده نابجا دارد هم استفاده صحیح. متأسفانه در وضعیت فعلی بیشتر بچه‌های ما درگیر این مسئله شده‌اند و از جامعه دور شده‌اند. البته ما خیلی نتوانستیم به این موضوع خوب بپردازیم. همان طور که گفتید، یک جاهایی به صورت گل‌درشت بیان شده‌اند. این فیلم را من دو سال پیش ساختم. اصلاحاتی روی آن صورت گرفت و به دلیل کمبود بودجه، از کلیپ‌هایی که قرار بود به فیلم اضافه شود، صرف‌نظر کردیم.

تشکر: واقعیت این است که ما باید به اذهانی که برای آن فیلم می‌سازیم، توجه کنیم. باید دید چقدر برای این جشنواره‌ها کارشناسی صورت می‌گیرد. در این ۲۷ ساله برگزاری چه راهکارهایی صورت گرفته تا کودکان جذب این جشنواره شوند. آیا واقعاً این قدرت را دارد که در برابر تکنولوژی و سرعت پیشرفت کودکان امروز بایستد. به هر حال ذهن کودکان از حساسیت خاصی برخوردار است و امروزه بسیار از ما جلوتر هستند. همه سؤال من این است که چقدر در سیاست‌گذاری‌هایمان در این جشنواره درست عمل کرده‌ایم.

مشیری: آقای فاطمی از من خواستند پیامشان را به شما برسانم. ایشان گفتند از همه کودکان و نوجوانانی که در فیلم حضور داشتند و مسئولان برگزاری جشنواره تشکر می‌کنم. به نظرم باید با توجه به امکاناتی که در اختیار ما بچه‌ها هست، پدر و مادرها امکان انتخاب خوب و بد را به خودمان بدهند و چیزی را بهمان تحمیل نکنند.

EVIL SIDE OF TECHNOLOGY

"Don't Forget Your Childhood" is one of the movies competing in the 27th International Festival of Films for Children and Young Adults. In the press conference of the movie, Mohammad Hassan Najm, producer of the movie said: "One of the problems of our society is existence of technology without knowing how to use it. We know technology has good side and bad side. We tried to show how this evil side of technology has affected our children, though our movie may have some weaknesses. Our budget was also limited, so we did not make some of the clips which were necessary for the script."



نشست پرسش و پاسخ فیلم «او خوب سنگ می‌زند»

ردپای نویسنده

مجری کارشناس: سحر عصرآزاد

مهمانان: سیدهادی محقق (کارگردان)، ابراهیم اصغری (تهیه کننده)، ستار اورکی (آهنگ‌ساز)

عصرآزاد: فیلم **او خوب سنگ می‌زند** به آن دسته از فیلم‌هایی تعلق دارد که به دغدغه‌های نوجوانان می‌پردازد. در مدت زمان فیلم، تجربه‌ای که بردو کسب می‌کند، موجب گذر او از دوران کودکی و نوجوانی است. این فیلم درباره تجربه نوجوانی است. نوجوانی که این دوران را با یک اتفاق طی می‌کند و بزرگ می‌شود. موقعیت کلاسیک فیلم در خیلی از فیلم‌های قدیمی نیز دیده می‌شود. دو کاراکتر متضاد مجبور می‌شوند به خاطر اجبار شرایط با هم همراه شده و از هم تأثیر بپذیرند. این بده بستان‌ها هم ریتم خوب به فیلم داده و هم نقش‌ها را دراماتیک کرده است. هم‌چنین در روابط درونی این دو نفر یک طنز ظریف آگاهانه وجود دارد.

محقق: اساساً یک فیلم از یک قاب عکس، یک مفهوم و یک خاطره شروع می‌شود. این فیلم بر اساس اتفاقی است که برای برادرم افتاد. شب‌هایی بود که با برادرم می‌نشستیم و از سختی‌های آن اتفاق برایم می‌گفت. احساس می‌کردم این ماجرا می‌تواند تبدیل به یک اثر شود. سرباز و بردو نیروی خیر و شر به شکل کلاسیک نیستند. تقدیر در این فیلم خیلی کارکرد دارد؛ تقدیری که همه آدم‌ها را سر راه هم قرار می‌دهد؛ تقدیری که سرباز را با بردو همراه می‌کند. سعی کردم دیالوگ‌هایی را طراحی کنم که این بده بستان‌ها در روایت پیش‌برنده باشد.

هنر من در این است تا آن‌جا که بتوانم، آن قدر ساده بگویم که همه آدم‌ها حرفم را بفهمند. یعنی به جریان فیلم‌سازی تبدیل شود. آن کسی در فیلم‌سازی موفق است که بتواند در جامعه و پیرامونش از هر عنصری که در فیلمش هست، مابه‌ازای بیرونی داشته باشد.

اصغری: آینده جامعه ما شامل کودکان و نوجوانان امروز است. قرار است آن‌ها در زمان پیری ما جامعه را مدیریت کنند و مسائل و مشکلات آن را حل کنند. وظیفه خودم دانستم چنین موضوعاتی که برای کودکان و نوجوانان است، درس‌د فرهنگ‌نگی کشور قرار گیرد. از آن جایی که محقق آن منطقه را به خوبی می‌شناخت و بچه آن‌جا بود، تصمیم گرفتم این اثر خوب محقق را تولید کنیم.

اورکی: سعی کردم موسیقی در فیلم نباشد و هر کجا که لازم بوده، ما کار کردیم. موسیقی نه خیلی بومی است و نه خیلی کلاسیک و پاپ؛ موسیقی‌ای که در اقصی نقاط مملکت خودمان بتوانیم حس کنیم و بشنویم. به‌جز صدای آن خواننده‌ای که در فیلم حضور داشت و ما این صدا را با موسیقی خودمان تلفیق کردیم. در واقع من موسیقی را در خدمت این صدا قرار دادم.

The Story was Based on a True Story

Hadi Mohaghegh in the press conference for his film "Bardou" explained about the concept of reality in his film. Mohaghegh, the director of the film stated, "Technically, a film is begun with a frame picture, a concept and a memory." He continued that the film was based on a true story happened to his brother. He continued, "There were nights when he was telling me this story and its toughness and I felt it can be narrated in a film. The soldier and Bardou are not representing classic good and evil." He believes that destiny has multiple functions in this film. This destiny makes people face each other.



نشست خبری فیلم «عملیات مهد کودک»

تابو در سینمای کودک

مجری و کارشناس: نیما حسنی‌نسب
مهمانان: فرزاد اژدری (کارگردان و نویسنده)، امیررضا معتمدی (جلوه‌های ویژه)، شمس‌فضل‌اللهی، ساینه اژدری، کیمیا حسینی، مبینا آتشی، ایلینا مجیدی (بازیگران)
حسنی‌نسب: مدتی بود فیلم‌هایی با فضای فانتزی و شاد کودکانه و مخصوص مخاطب کودک تولید نکرده بودیم. این فیلم به شدت کودکانه و برای کودک است. شخصیت‌های اصلی آن هم تعدادی کودک هستند. ماجراها و حوادث فیلم را هم آن‌ها پیش می‌برند.
اژدری: مسلماً اگر این فیلم را با یونولیت و مقوا و چند تا عروسک می‌ساختیم، الان نه من این‌جا بودم نه شما بچه‌ها. سعی کردم با نوع ساخت فیلم به شعور همه بچه‌ها احترام بگذارم. بچه‌ها باشعورترین تماشاگران روی زمین هستند و به راحتی می‌توانند گاف فیلم‌بردار، نویسنده و کارگردان را متوجه شوند. بچه‌ها از زوایایی به فیلم نگاه می‌کنند که ما نمی‌بینیم. اگر فیلمی با قصه و موقعیت جذاب ساخته شود، هر کسی طالب دیدنش است. ما در مرحله‌گذاری کار می‌کنیم که یک‌سری تابوها وجود دارد که باید شکسته شود. مسلماً هزینه دارد و باید ما هزینه‌هایش را به خاطر کودکان قبول کنیم.
فضل‌اللهی: سوآلی از بچه‌ها دارم. می‌خواهم بدانم از آن مقدار تخیلی که در این فیلم بود، لذت بردید؟ برایم خیلی جالب است که بدانم دنیای تخیلی که امروز من می‌گویم خیلی قشنگ است، برای خود بچه‌ها هم قشنگ است؟ چون برای من نتیجه‌گیری بزرگی داشت. تخیل یعنی این‌که گاهی وقت‌ها برای ما اتفاقاتی می‌افتد که کاملاً شانس‌ی است و از آن تعجب می‌کنیم. این تخیل را بزرگ‌ترها می‌توانند فیلمش کنند. بچه‌ها در نقاشی‌های خود این تخیلات را نشان می‌دهند. تولیدات خلاقانه سینمای کودک باید زیاد شود. ما باید در پارک‌هایمان سینما داشته باشیم تا پذیرای بچه‌ها و خانواده‌هایشان باشد.

معتمدی: بعضی فیلم‌سازها یک موضوع را از ذهن و احساس خود خارج می‌کنند. اکثر فیلم‌هایی که می‌بینیم، از این دست فیلم‌سازی است. به بهانه کودک فیلم زیاد ساخته شده است. فیلم‌سازی که برای کودک فیلم می‌سازد، باید این قابلیت را داشته باشد و فیلمی بسازد که کودک لذت ببرد. باید فیلم کودک را فهمید. وقتی فیلمی می‌سازیم که بچه نمی‌فهمد، در اصل فیلمی نساختیم. پس به بهانه بچه برای خودمان ساختیم. باید سلیقه کودک دخیل باشد. در جلوه‌های بصری این فیلم اتفاقی افتاده که تا به حال در ایران به این شکل نداشتیم. مثل گربه انیمیشنی که حرکات طنز و فانتزی انجام می‌دهد و باورپذیر است. امیدوارم که آخرین کار ما نباشد.
کیمیا: ممنونم که به دیدن فیلم ما آمدید.
ساینه: خیلی خوشحالم از فیلممان خوش‌تان آمد.
مبینا: از آقای اژدری ممنونم که مرا برای این فیلم دعوت کرد.
ایلینا: کار با آقای اژدری را دوست دارم. مهربان است.

MOVIES FOR SMART CHILDREN

"Kindergarten Operation" is one of the movies competing in the 27th International Festival of Films for Children and Young Adults. In the press conference of the movie, after its screening Farzad Ajdari, director of the movie said: "If I had made it with cheap material, neither of us would be here. I wanted to make a movie to honor children's dignity as audiences. I think children are so smart to find out directing or writing pitfalls of the movies very easily. Children watch movies in a way we cannot. If you make a movie with interesting subject, then everyone likes to watch it."



نشست خبری فیلم «سفر زمان»

رضویان: بچه‌ها را در فیلم‌هایم بازیچه نمی‌کنم

مجری: سعید قطبی زاده
مهمانان: امیرشهاب رضویان (کارگردان)، رابعه مدنی (بازیگر)، سیدسعید رضویان (بازیگر)، امیر سحرخیز (جلوه تصویری)، محمد مین‌باشی (بازیگر)، مهدی احدی (بازیگر)، روناک پوریادگار (بازیگر)
امیرشهاب رضویان: پس از مینای شهر خاموش سه فیلم برای تلویزیون ساختم تا این‌که ساخت این قصه از سوی منوچهر شاهسوری به من پیشنهاد شد و من با قصه رویاگونه آن ارتباط برقرار و با چند نفر از دوستان این اثر را بازنویسی کردم. ضمن آن‌که فیلم‌برداری آن یک ماه و جلوه‌های تصویری هم یک سال به طول انجامید. ویژگی بارز این فیلم زمان طولانی جلوه‌های تصویری استفاده شده در آن است.
امیر سحرخیز: جلوه‌های ویژه بصری این فیلم حدود یک سال طول کشید. معتقدم هنوز ظرفیت سینمای ما برای تولید چنین کاری پایین است و سینمای ما هنوز به این پتانسیل نرسیده است. برای انجام چنین کاری تنها توان فنی مطرح نیست. کمتر کارهایی مانند سفر زمان تروکاز دارد و در فیلم‌های ایرانی به ندرت از صنعت جلوه‌های ویژه بصری استفاده می‌شود. **مهدی احدی:** از غول فیلم نمی‌ترسیدم، چون نقش من پسر شجاعی بود که نمی‌ترسید. اما خب بالاخره یک ترس‌های کمی هم داشتم.
رابعه مدنی: کار کردن برای من دل‌خوشی و سرگرمی است که بخش‌های تپه زندگی‌ام را پر می‌کند. وقتی قرار است سر صحنه بروم، از شب قبل وسایلم را جمع می‌کنم و از کار خسته نمی‌شوم.
محمد رضا شبیرخانلو: آقای رضویان در طول فیلم‌برداری خیلی خوش‌اخلاق بودند. اما در روز اول کمی از او به خاطر تپیش می‌ترسیدم. ولی یک خاطره خوب از فیلم دارم که آن هم یک صحنه دعوا بود که تا دلم می‌خواست همه را زدم و دلم خنک شد!
سعید رضویان: حجم بالای جلوه‌های ویژه در یک کار سینمایی، به نوعی ریسک است. اما این کار تجربه جدید در کارنامه کاری من محسوب می‌شود. فیلم‌هایی که از جلوه‌های ویژه استفاده می‌کنند، مشکلات خاص خود را دارند، اما ما سعی کردیم با برنامه‌ریزی کار را به خوبی جلو ببریم.
محمد مین‌باشی: در این فیلم من گریم سنگینی داشتم و از لنز رنگی استفاده می‌کردم که مرا آزار می‌داد. حتی ۵۰ درصد بینایی‌ام با این لنزها کم می‌شد که آقای رضویان به همین دلیل سعی می‌کردند نور مستقیم در چشمان من نباشد.
امیرشهاب رضویان: جا دارد یادی هم بکنم از رضا خمسه‌ای عزیز که در همه فیلم‌های من بازی کرده و روز اول جشنواره به دیار باقی شتافت. او باقی‌مانده کارهای خیمه‌شب‌بازی در ایران بود. من هیچ‌گاه از کودکان در آثارم سوءاستفاده نمی‌کنم و دلم نمی‌خواهد آن‌ها بازیچه ما در فیلم‌ها شوند. تلاش من در این فیلم این بود که از دنیای جدی به دنیای فانتزی نزدیک شوم و شبیه دیگر کارها یا تقلیدی نباشد.

A Journey from Real World to Fantasy

Amir Shahab Razavian director of "Time Machine" in the press conference of his film said that the story was initially suggested to me by Manuchehr Shahsavari and I was impressed by its imaginary theme and rewrote it with some of my friends. I never abuse children in my works. In this film we made an attempt to travel from the real world to fantasy and make it different comparing to other works. Amir Saharkhiz, who worked on the visual effects of the film also explained about the one year process on the visual effects of the film. He believed the capacity of Iranian cinema is not sufficient for such films and Iranian cinema has not reached to this potential yet.



شما آدمو تو آمپاس می دارین

محمد رضا شبیر خانلو

یه روز پدر بزرگم منو برد به زمین فوتبالش که اون جا کار می کرد، بعد دوستش که خبرنگار بود منو دید. شش ماه بعد زنگ زدن واسه فیلم **چک برگشتی**. ما رفتیم اون جا و یه تست گرفتن. بعدش هم تو فیلم **دهلیز** و **سفر زمان** و **دودکش** بازی کردم. همه فیلم‌هایی را که بازی کردم دوست دارم. اولش اصلاً نمی‌دونستم بازی کردن چیه؟ مثلاً آگه یکی تو فیلم از اون بالا می‌پرید پایین، به بابام می‌گفتم: اووه نگاه کن، ببین چقدر پریده پایین.

تو **چک برگشتی** نقش پسر امیر جعفری رو بازی می‌کردم. همه فکر می‌کردن من واقعا بچه امیر جعفری‌ام. فیلم **سفر زمان** رو چون توش بازی کردم، دوست ندارم، کلاً به خاطر غولش دوست دارم. غول‌ها مثلاً خنده‌دارن. غوله آرزوهای معقول رو برآورده می‌کرد. منم دوست دارم یه چراغ جادو داشتم.

خاطره خنده‌دار و گریه‌دار خیلی دارم. سر **دهلیز** بودیم دندونم افتاد. این طوری کردم آدستش را جلوی دهانش می‌گیرداً گفتن کات. چی کار می‌کنی؟ گفتم عمو دندونم افتاد. بعد بازیگردانمون گفتش الکی می‌گی. دستم رو بلند کردم، دندونم افتاد زمین. یه گروه و کار رو خوابوندم تا دندونمو پیدا کنیم. آخرم هیچ کس نبودم سرکار همه رفتن خونه. خاطره خیلی گریه‌دارم سر **دهلیز** بودیم، صحنه آخر. صحنه آخر رو دو بار فیلم‌برداری کردیم. یه دفعه شو همین جوری بازی کردم، دفعه دوم اصلاً گریه‌م گرفت خودم. آقای شعبی جلوم نشستند، اونم گریه می‌کرد و اشک‌هامو پاک می‌کرد. مامانم اومد. خودم رو انداختم بغلش. اصلاً مثل فیلم‌های گریه‌دار شده بود.

تو مدرسه دیگه همه منو می‌شناسن. اول پراشون خاطره تعریف می‌کردم، اما دیگه خیلی زیاد شدن و زنگ تفریح نمی‌رسم برم بیرون. ازم امضا می‌خوان. پنج تا معاون دارم و پنج تا بادی‌گارد واسه این که همه رو هل بدن تا زنگ تفریح یه خوراکی بخورم. بادی‌گارد هام همشون حلقه می‌زنن دورم. معاونام حلقه می‌زنن دور بادی‌گارد هام.

خسته می‌شم از مصاحبه، خوشم میاد آگه کسل نباشم. آخه درسته آدم بره تو آمپاس؟



بازیگران کودک را لوس نمی‌کنم!

فیلم‌های درباره کودکان نیز باید باشد. حضور بچه‌ها در جشنواره نیز باید پررنگ‌تر باشد. اصلاً باید فضایی باشد که بچه‌ها با هم باشند، با هم فیلم ببینند، نقاشی بکشند، گفت‌وگو کنند و... من برای بازی گرفتن از بچه‌ها سعی می‌کنم آن‌ها را از عمق وجودشان بیرون بکشم و خودم را از یک رابطه بیرونی به یک رابطه درونی با آن‌ها می‌رسانم. کاری می‌کنم که به من اعتماد کنند. چگونگی انجام این کار، بستگی به نقشی دارد که از آن‌ها می‌خواهم. برای مثال برای بازیگران فیلم **هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند** با آن‌ها در درجه اول دوست شدم. موهای آن دختری را که موی بلند داشت، شانه می‌کردم، می‌بافتم و به حرف‌هایش گوش می‌کردم و سعی می‌کردم حرف‌های او را بفهمم. بعد که به هم نزدیک شدیم، قصه فیلم را تا جایی که نیاز بود او بداند، برایش تعریف کردم. اما به طور کلی، کار کردن با بچه‌ها فوت کوزه‌گری می‌خواهد که روش مخصوص به خود را دارد. من با یک دختر کر و لال کار کرده‌ام. کسی که نه صدای مرا می‌شنید و نه با من حرف می‌زد. من با بچه‌ها زندگی می‌کنم و دوست می‌شوم. با پدر و مادرهایشان صحبت می‌کنم و حرف‌هایشان را می‌شنوم و نقاط قوت و ضعف بچه‌ها را پیدا می‌کنم. خصوصاً نقاط ضعف را. چون از این طریق به نقاط قوت می‌رسم و آن‌ها را بالا می‌کشم. سر فیلم **رابطه** در خلوت خودم گریه کردم. فکر می‌کردم که در انتخاب بازیگر اشتباه کرده‌ام. اما این طور نبود؛ من سخت‌ترین راه را انتخاب کردم که باید در آن، بهترین نتیجه را می‌گرفتم. اما سختی راه را هموار کردم و دیدم اتفاقاً بهترین انتخاب را انجام داده‌ام.

من بچه‌ها را سر صحنه دعوا نمی‌کنم، اما آن‌ها را لوس هم نمی‌کنم. بچه‌ها می‌دانند که پوران درخشنده سر صحنه جدی است و باید بازی‌شان را بکنند و همه حواسشان به من باشد. چیزی که به نفع خودشان هم هست و در آخر از کارشان راضی هستند. چون من همه حواس و انرژی‌ام را در زمان فیلم‌برداری به بازی‌ها جلب می‌کنم و شوخی ندارم. بچه‌ها هم این را می‌دانند که در عین مهربانی، با آن‌ها جدی هم هستم.

در پایان هم آرزوی اعتلای سینمای کودک را دارم و این که دوباره سینمای کودک را، مانند سال‌های اولیه پس از انقلاب، از نو بسازیم.

ساخت هر فیلمی، هدف و انگیزه دارد. بچه‌ها معصوم هستند و این معصومیت تا جایی پیش می‌رود که حتی حمایت‌های عاطفی هم از آن‌ها نمی‌شود. کودکان بعضاً حتی دیده نمی‌شوند. بچه‌ها برای ساختن آینده‌ای که قرار است روی دوششان استوار شود، باید از امنیت خاطر برخوردار باشند و بتوانند به اقتضای سنشان با آرامش جلو بروند. هم‌چنین تربیت و مهارت‌های لازم برای زندگی باید به آن‌ها داده شود تا بتوانند به رشد و بالندگی برسند. من همیشه سعی کرده‌ام در فیلم‌هایم بچه‌ها را ببینم و به آسیب‌هایشان بپردازم؛ این که چرا آسیب پیش می‌آید و این آسیب چگونه ادامه می‌یابد. بحث اصلی من همیشه خانواده است. خانواده محل رشد تربیت، آگاهی و اعتماد به نفس است که کودک برای زندگی به آن نیاز دارد و من آن را در فیلم‌هایم مطرح می‌کنم. اما این که چرا به مقوله کودک می‌پردازم، تنها یک دغدغه شخصی نیست. فیلم‌ساز نمی‌تواند دغدغه شخصی داشته باشد. دغدغه او، چیزی است که در جامعه وجود دارد. شغل و حرفه من این است که به همه نگاه کنم؛ به سلامت جامعه‌ام. شغل من این است که جایگاه انسان را تعریف کنم. وظیفه هنرمند اما این نیست که جواب سؤال بدهد. او باید سؤالی مطرح کند و دردی را نشان دهد. کاری که پنجره‌های باز می‌کند به سوی کسانی که درد را فراموش کرده‌اند. به سوی آدم‌هایی که وقتی با درد مواجه می‌شوند، درگیر آن می‌شوند که آیا باید این درد را با مسکن ساکت یا جراحی‌اش کنند؟! اگر درد وجود دارد و همه را آزار می‌دهد، باید به این باور برسیم که جراحی درد دارد. اما باید چاقو زد و درد را ریشه‌کن کرد.

اما همیشه دو نوع نگاه به سینمای کودک وجود داشته. یکی فیلم‌هایی که برای کودکان است که باید توسط کسانی ساخته شود که دنیای کودکان را تجربه کرده باشند، کتاب‌های کودک را خوانده باشند، روان‌شناسی کودک را بشناسند، مختصات سنی‌شان را در نظر بگیرند تا بتوانند به فانتزی‌های کودکان نزدیک شوند. نوع دوم فیلم‌هایی که درباره کودکان هستند. من بیشتر متعلق به دسته دوم هستم و می‌خواهم افکار عمومی را به سمت جایگاه و مسئولیت خانواده‌ها در قبال کودکان سوق بدهم. در یک جشنواره اما هر دو نگاه باید حضور داشته باشد. البته فیلم‌هایی که برای کودکان هستند، باید بیشتر باشند، اما

«کودک و فرشته» / دفاع مقدس

مسعود نقاش زاده



خاطر بازی



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

27th INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS



سینما علیه کودکان

بهنام تشکر

من همیشه دلم به حال بچه‌هایی که در این فیلم‌ها بازی می‌کنند، می‌سوزد. چراکه شرایط تولید فیلم‌ها به گونه‌ای است که حتی برای بازیگران بزرگسال هم سخت است، چه رسد به کودک که در موقعیت حساس تری قرار دارد و از توانایی جسمی و روحی پایین تری برخوردار است. متأسفانه من خیلی مواقع دیدم کارگردانان اصلاً مراعات این مسئله را نمی‌کنند. خب این خیلی بد است. می‌خواهم بدانم اگر پسر یا دختر کوچک خودشان را برای بازی کردن در آن فیلم می‌آوردند، آیا باز هم حاضر بودند چنین رفتاری با آن‌ها بکنند. مسلماً نه. اصلاً نمی‌توانند چنین رفتاری داشته باشند، ولسی این کار را می‌کنند و به خاطر گرفتن یک سکانس فشارهای روانی سختی را بر کودک وارد می‌کنند. هیچ وقت هم به این مسئله توجه نشده. حتی بعضاً آن کارگردان به خاطر کارش تشویق هم شده. روح بچه لطیف و حساس است. اگر آن کارگردان آن قدر هنر دارد، نباید این بلا را سر بچه خودش بیاورد. من حتی دیدم برخی کارگردان‌ها برای این که گریه بچه را در بیاورند، می‌روند سراغ اولین روش و چنان فشاری را به کودک می‌آورند که روان او به هم می‌ریزد. این کارگردان برای چه کسی فیلم می‌سازد؟ مگر برای همین بچه نیست. پس چطور به خودش اجازه می‌دهد این طور با او رفتار کند. و جالب این که به این کار افتخار هم می‌کنند و خوشحال می‌شوند که مثلاً عجب بازی خوبی از او گرفتیم.

همه کارگردان‌ها این گونه نیستند. من هیچ وقت آن قسمت از **قصه‌های مجید** را یادم نمی‌رود که مهدی باقریگی طاقت نمی‌آورد و خود پورا احمد می‌آید جلوی دوربین و با او حرف می‌زند. پورا احمد از آن دسته کارگردانانی است که روان‌شناسی کودک را می‌شناسد و به او سخت نمی‌گیرد. ما به عنوان بازیگر از بازی کردن در کنار کودکان واقعاً لذت می‌بریم و برایمان شیرین است. گاهی وقت‌ها کودک در صحنه کاری را انجام می‌دهد که براساس شخصیت خودش است. من همیشه سعی می‌کنم خودم را با او وفق دهم و بازی‌ام را با او هماهنگ کنم و همراهش شوم. من بچه‌ها را خیلی دوست دارم، ولی همیشه به این فکر می‌کنم که اگر بچه خودم قرار بود در این شرایط قرار گیرد و با این ناملایمات روبه‌رو شود، واکنش من چه بود.



مظلومیت فرشته، مهجوریت فیلم

که داستان تأثیر خود را از دست خواهد داد. برای یافتن گزینه مناسب برای نقش مصطفی هم، همین روند را طی کردیم تا به محمدرضا زادرسور رسیدیم. اما باز یگر نقش مصطفی یک تفاوت عمده داشت و آن این که محمدرضا، یک سال پیش از آن در نمایشی از بهرام بیضایی نقش یک کودک ۱۰ ساله را بازی کرده بود. این بود که شروع کردیم به کار کردن با این دو نوجوان تا آن‌ها را وارد فضای فیلم کنیم. هر دوی این‌ها اولین بار بود که جلوی دوربین می‌آمدند.

از همان ابتدا بسیار نگران بودم. زیرا قصه طوری بود که بخش اعظم اجرای فیلم را این دو شخصیت به دوش می‌کشیدند. من می‌دانستم و حتی چند نفری هم که فیلمنامه را خوانده بودند، به من گفته بودند که اگر باز یگر نقش فرشته نتواند از پس ایفای نقش برآید، فیلم از دست رفته است. ضمن این که موضوع گرمای تابستان و طلاق بچه‌ها هم در میان بود. ولی آن‌ها واقعاً مقاومت خوبی نشان دادند و آن قدر باهوش و با دقت عمل کردند که نگرانی عمده من از اجرای این دو نقش تقریباً از میان رفت. برخلاف انتظار، بچه‌ها همیشه آماده و خستگی‌ناپذیر بودند. یعنی هیچ وقت نشد که من کار را به خاطر عدم آمادگی یا خستگی بچه‌ها عقب بیندازم.

مجموعه مشکلات و اتفاقاتی که برای اکران این فیلم افتاد، باعث شد من نسبت به تکرار تجربه در این عرصه ناامید شوم. فیلم در دو هفته به صورت تک‌سانس در چند سینمای محدود اکران شد و عملاً نابود شد. بگذریم از این که جوایز متعدد جشنواره‌های داخلی و خارجی و حتی پنج جایزه و جایزه بهترین فیلم از همین جشنواره کودک هم، برای اکران مناسب فیلم سودی نبخشید و با این که ۶۰ درصد فیلم متعلق به فارابی بود، اما در اکران هیچ حمایتی از آن نشد. در واقع فرایند اکران فیلم به اندازه داستان‌ش مظلومانه بود. هر چند بعداً فیلم چندین بار از تلویزیون پخش شد و مردم آن را دیدند. در واقع نگرانی اصلی من، مشکلات ساخت فیلم جنگی نیست، بلکه مسائل نمایش آن است. فیلم‌ساز فیلم می‌سازد که دیده شود و وقتی با چنین مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، برای تجربه دوباره دچار تردید می‌شود. زیرا ما فیلم نمی‌سازیم که آرشو بشود، فیلم می‌سازیم که مردم به تماشای آن بروند. اما در شرایط فعلی، فیلم دفاع مقدس، در هر مرتبه‌ای که باشد، در مناسبات اکران نابود خواهد شد.

فیلم ساختن برای کودکان نیازمند تجربه‌های عاطفی و هنرمندانه‌ای است که بتواند فضای قابل باوری را برای کودکان باز تولید کند. به عبارتی چنین فضایی هم خاص است هم بسیار حساس، و باید با دقت و صداقت و احتیاط به آن پرداخته شود. وجوه داستانی یا مضمونی این فیلم‌ها ظرافت‌های ویژه‌ای دارد. وقتی قرار باشد درباره کودک‌ها چنین مضامینی را مطرح کنیم، نیازمند حساسیتی دوچندان هستیم. به همین علت است که می‌گویم ساخت فیلم جنگی برای مخاطب کودک سخت است و توجه ویژه‌ای را می‌طلبد.

کودک و فرشته، داستان خواهر و برادری به نام فرشته و سلیم است، که در آخرین روز شهریور می‌خواهند برای رفتن به مدرسه آماده شوند و پیش از آن هم آماده شده‌اند تا به مراسم عروسی عمه‌شان در شهری دیگر بروند. در حالی که فرشته برای آوردن مادر بزرگ از خانه بیرون رفته است، در یک بمباران همه خانواده به جز فرشته کشته می‌شوند. فرشته در بازگشت به خانه، از این اتفاق مبهوت می‌شود و کنترلش را از دست می‌دهد و پس از این که چند روزی دوستش از او پرستاری و نگهداری می‌کند، تصادفاً میان گفت‌وگوی دو نفر می‌فهمد برادرش زنده است. از این پس، داستان فیلم، جست‌وجوی بی‌وقفه فرشته به دنبال برادرش سلیم است. در این میان، با نوجوانی هم‌سن و سال برادرش به نام مصطفی آشنا می‌شود که برای مدافعان خرمشهر مهمات می‌برد. فرشته تلاش می‌کند از طریق همراهی با او برادرش را پیدا کند. در این مسیر، آن‌ها از موقعیت‌های خطری و مخاطرات بزرگی عبور می‌کنند و جان سالم به در می‌برند. اما در نهایت، در حالی که فرشته تلاش می‌کند مصطفی را که زخمی شده نجات دهد، بی‌آن که بداند، در کنار جنازه برادرش که به تازگی شهید شده قرار می‌گیرد و آرامشی غریبانه می‌یابد. ناگفته پیداست، برای نقش فرشته، و اصولاً نقش‌هایی در این سن و سال، هنرپیشه‌های نداشتیم. جا دارد این‌جا از خانم مهتاب نصیرپور تشکر ویژه کنم که برای یافتن بازیگر مورد نظر بسیار به ما کمک کردند. تعداد زیادی از بچه‌های مدارس مختلف را دیدیم تا سرانجام به مونا احمدی رسیدیم. این پروسه تقریباً دو ماه طول کشید. مدام تست می‌گرفتیم و حتی سراغ بازیگران حرفه‌ای هم رفتیم، اما به دلیل عدم تناسب فیزیکی، فکر کردیم



مهین نویدی / چهره پرداز

من پیش از این که به تلویزیون بیایم، سه سال برای گروه کودک نقاشی فانتزی انجام می‌دادم. رشته خودم هم در دانشگاه گرایش نقاشی بود و در خانواده‌ای بزرگ شدم که همه اهل این رشته بودند. مادرم و برادرم نقاش بودند و من هم با عشق و علاقه این رشته را دنبال کردم. در زمینه کودک کارهای بسیاری کردم از جمله قصه‌های تابه‌تای مرضیه برومند و جزیره جارو. حالا می‌دانم بچه‌ها از چه چیزی خوششان می‌آید و تلاش می‌کنم تا بهترین کار را ارائه دهم.

در فیلم عملیات مهد کودک می‌خواستم برای شخصیت اصلی از موهای آبی استفاده کنم و به نوعی جنسیت او را دختر یا پسر، مشخص کنم. ولی متأسفانه تهیه‌کننده و کارگردان نمی‌خواستند جنسیت او معلوم شود. به هر حال از آن‌جا که باید از همان کودکی بچه‌ها را با شئون اسلامی آشنا کنیم، من از موهای فانتزی استفاده کردم. ولی خب اگر می‌شد جنسیت شخصیت را معلوم کنیم، دستمان برای کار بازر تر بود. ولی کارگردان دستمان را بسته بود.



سروش صحت / بازیگر

بعد از این که فرزاد اژدری پیشنهاد بازی در این فیلم را دادند، آمدم فیلمنامه را خواندم و بازی کردم. به نظرم برای بازیگر خیلی تفاوتی نمی‌کند که در کار کودک بازی می‌کند یا بزرگ‌سال. چنین چیزی معمولاً در نگاه نویسنده یا کارگردان تفاوت ایجاد می‌کند. ضمن این که قسمت‌هایی از کار قبلی کارگردان را هم دیده بودم و خیلی خوشم آمده بود. فیلمنامه را هم که خواندم، با فضای آن ارتباط برقرار کردم و با توجه به گروه بازیگران خوبی که داشت، پیشنهاد بازی در فیلم را پذیرفتم. این را هم بگویم که در طول کار پشت صحنه بسیار خوبی داشتیم و همه چیز به خوبی برگزار شد. متأسفانه هنوز فیلم را ندیدم تا بگویم چقدر از نتیجه راضی هستم.



نزهت بادی

فیلم‌سازان، کودک درونشان را آزاد بگذارند

❖ در قسمت‌هایی از فیلم از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای استفاده شده است، اما واقعاً به سختی می‌توان تشخیص داد که در کجا به کار رفته است. آقای دکتر معتمدی در اجرای جلوه‌های ویژه شیوه‌های مخصوصی دارند که سعی می‌کنند تا حد ممکن به واقعیت موجود در صحنه‌های فیلم نزدیک شوند و همه چیز خیلی طبیعی به نظر برسد و سطح کیفی فیلم را بالا ببرد. چون در این فیلم صحنه‌های فانتزی کمتری نسبت به فیلم قبلی داریم و این جلوه‌های ویژه بیشتر در جهت تقویت جنبه‌های رئال آن است. ما حدود ۲۰ روز با بچه‌ها تمرین داشتیم تا برای بازی کردن در نقششان آماده شوند. از یک خانم هم به عنوان بازیگران کمک گرفتیم. البته به نظرم تمام بچه‌ها تا پنج سالگی شان بازیگران بسیار خوبی هستند که می‌توانند از عهده هر نقش دشواری برآیند و فقط کافی است که استعداد و توانایی شان کشف شود و زمینه مناسبی در اختیارشان قرار بگیرد تا بتوانند خود را بروز دهند. بعضی از بچه‌هایی که در این فیلم بازی کردند، قبلاً تجربه مواجهه با دوربین را داشتند و بعضی‌ها نداشتند، اما درباره همه‌شان خیلی مراقب بودیم که خسته نشوند و در تمام مدت فیلم‌برداری فرصت کافی داشته باشند تا به بچگی‌شان برسند و شیطنت‌های خودشان را داشته باشند. بنابراین شیوه بازی گرفتن از بچه‌ها با بزرگ‌ترها تفاوت زیادی دارد و روش‌های مخصوص به خودش را دارد.

❖ در سینمای کودک و نوجوان دست آدم برای بازگویی قصه‌ها و روایات مختلف بازر تر است و از تنوع و آزادی بیشتری برخوردار هستیم. می‌توانیم به موضوعات کوچک‌تر و ساده‌تر که خود بچه‌ها درگیر آن هستند، بپردازیم و به سؤال‌ها و کنجکاوی‌هایشان جواب بدهیم. بچه‌ها برخلاف بزرگ‌ترها برای برقراری ارتباط با فیلم بیش از آن که به کلیات اهمیت بدهند، روی جزئیات متمرکز می‌شوند و خیلی سریع‌تر از بزرگ‌ترها ماجراها و شخصیت‌ها را باور می‌کنند و با آن‌ها دست به هم‌ذات‌پنداری می‌زنند.

❖ فیلم از زاویه دید یک کودک روایت می‌شود و قهرمان ما بچه‌ای است که تمام ماجراها را به وجود می‌آورد و پیش می‌برد. در چنین موقعیتی خیلی مهم است که داستان منطبق بر دنیای ذهنی بچه‌ها باشد تا وقتی مخاطب کودک و نوجوان آن را می‌بیند، برایش قابل درک و ملموس باشد. بچه‌ها دوست دارند برایشان قصه‌ای تعریف شود که بتوانند درباره آن تخیل و تجسم کنند و وقتی قهرمان اصلی بچه‌ای مثل خودشان باشد، آن‌ها راحت‌تر با فیلم همراه می‌شوند و خودشان را به جریان داستان می‌سپارند.

❖ البته شاید این نزدیک شدن به دنیای کودکان کمی سخت به نظر برسد، اما من چون خودم دو تا بچه دارم و اساساً رابطه خوبی با آن‌ها برقرار می‌کنم، می‌توانم بفهمم که آن‌ها از چه چیزهایی خوششان می‌آید و از چه چیزهایی خوششان نمی‌آید. مثلاً بچه‌ها به صحنه‌های پردیالوگ و کم‌ماجرای بی‌تحرك علاقه‌ای ندارند و از داستان‌های پر حادثه و خنده‌دار بیشتر خوششان می‌آید. به هیچ وجه از شنیدن نصیحت و شعار استقبال نمی‌کنند و حتی گاهی لذت می‌برند از این که می‌بینند بزرگ‌ترها در فیلم اشتباه می‌کنند یا بلاهایی سرشان می‌آید (البته با حفظ ادب و احترام) و مهم‌تر از همه این است که دوست دارند با تماشای فیلم سرگرم شوند و اگر پیامی مورد نظر فیلم‌ساز است، در لایه‌های پنهان فیلم به آن‌ها ارائه شود. اصلاً از این که نکته‌ای به طور مستقیم به آن‌ها گفته شود، خوششان نمی‌آید. به هر حال کمی سخت است که بتوانیم خودمان را با بچه‌ها همراه کنیم و از آن کلیشه‌های رایج رها شویم و به فضای ذهنی فانتزی گونه و خلاقانه و پرشور بچه‌ها نزدیک شویم. ❖ استفاده از شعر و ترانه و موسیقی در جذب بچه‌ها تأثیر مهمی دارد. چون هم فضای شاد و مفرح و پرنشاطی را در فیلم به وجود می‌آورد و هم بخش زیادی از دیالوگ‌ها را می‌توان در قالب شعر و ترانه مطرح کرد که به طور طبیعی برای بچه‌ها جذاب‌تر خواهد بود و راحت‌تر می‌توان بسیاری از مفاهیم و اطلاعات را به آن‌ها منتقل کرد.



فیلمنامه‌نویس و کارگردان فرزاد اژدری تهیه‌کننده رویا شریف فیلم‌بردار سید محسن جاهد تدوین حسن ایوبی بازیگران علیرضا خمسه، اکبر عبدی، شمس‌ی فضل‌الهی، سروش صحت، حسام نواب‌صفوی

خلاصه داستان پنج نفر از بچه‌های یک مهد کودک تصمیم می‌گیرند تا روابط پدر و مادرشان با یکدیگر را تصحیح کنند...

با کارگردان «سفر زمان»

امیرشهاب رضویان



[رو در رو]



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

27th

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS



جمیله دارالشفایی / فیلمنامه‌نویس

وقتی طرح فیلم از طریق منوچهر شاهسواری، تهیه‌کننده کار، به دستم رسید، شروع به خواندن فیلمنامه‌ها و فیلم‌های کودک کردم. با آن‌که تجربه نوشتن کار کودک نداشتم، اما تجربیات دو کار قبلی‌ام به من کمک کرد. یکی این‌که در مجله فیلم‌نگار روی فیلمنامه‌های کودک کار و تحقیق می‌کردم و میزگردها و گزارش‌های زیادی با آدم‌های طراز اول سینمای کودک تهیه کرده بودم. علاوه بر این تجربه کاری دیگری داشتم در زمینه صلح کودکان و نوجوانان. همه داشته‌هایم را با هم ترکیب کردم و فیلمنامه **سفر زمان** را با تم رویکرد اعتمادبه‌نفس دادن به بچه‌ها و صلح نوشتم. مسلم است که مهم‌ترین عنصر پرفروش بودن فیلم‌های کودک و انیمیشن در دنیا، فضای فانتزی و ریتم تند آن‌هاست. ما نیز تمام تلاشمان را انجام دادیم تا با ریتم تند و رفت و آمدها، فضای شاد و ریتمیک ایجاد کنیم و بخش فانتزی فیلم نیز پررنگ باشد.



محمد مین‌باشی / بازیگر نقش غول

غول از منظر هر کسی تعریفی دارد و ما این‌ها را با دورخوانی فیلمنامه در زمان پیش‌تولید به دست آوردیم. این یکی از ویژگی‌های خیلی خوب آقای رضویان با بازیگران است. این تمرینات و اتود زدن‌های دائم کمک به پرورش شخصیت‌ها می‌کند. اسم غول چراغ جادو، غولک غولیان زاده بوده که برای طراحی شخصیتش قرار شد او را خیلی خشن و جدی بازی نکنم، بلکه به سمت طنز ببرم. غولک اهل شوخی و خیلی بازیگوش است. اولین سؤال مطرح‌شده برای شخصیت برداری غولک این بود که من به عنوان یک غول چطور باید صحبت کنم؟ مسلماً خشن و با صدای بم نیست، چون مخاطب اصلی ما بچه‌ها هستند. با صدای زیر هم که صحبت نمی‌کند، چون غول است. گشتیم و گشتیم و اتود زدیم تا به لحن دوستانه و مهربانانه رسیدیم. بعد رفتیم سراغ راه رفتن غول که چطور راه می‌رود؟ بعد از کلی فکر کردن به این نتیجه رسیدیم که مهندس غول‌ساز سقف خانه من را کوتاه ساخته بود و وقتی در چراغ جادو به دنیا آمدم، چون قد بلند داشتم، مجبور شدم خمیده و قوز کرده باشم.



ریشه در داستان‌ها و حکایات کهن

انیمیشن و فیلم زنده است. اساساً فیلم‌های بچه‌ها به خاطر برخورداری از فانتزی و خیال‌پردازی نیاز به استفاده زیاد از جلوه‌های ویژه دارد. در این زمینه ما متخصص خوب داریم، اما بودجه کافی نداریم. مثلاً هزینه کل فیلمی مثل **سفر زمان** به اندازه هزینه یک پلان یک فیلم آمریکایی است که در آن از جلوه‌های ویژه استفاده شده است. فیلم‌های ما بیشتر محصول همت و توان و انرژی بچه‌هایی است که در ساختن فیلم نقش دارند. در مجموع از کیفیت فیلم در زمینه جلوه‌های ویژه بصری و تلاش بچه‌ها با توجه به هزینه‌ای که داشتیم، راضی هستیم.

❖ در میان بچه‌هایی که از آن‌ها برای بازیگری تست گرفتیم، محمد مهدی احدی که نقش اصلی را بازی می‌کند، تواناترین آن‌ها بود و می‌توانست به فیلم چیزهایی را اضافه کند. بعد حامد کبازال تجربه بازی در فیلم‌های دوست خوبم علی قوی‌تن را داشت. محمدرضا شیرخانلو هنوز بازیگر معروف فیلم **دهلیز** و سریال **دودکش** نشده بود، ولی توی تمرین‌ها خیلی خوب جواب می‌داد. بردیا ربیعی هم پسر خیلی بانمک و دوست‌داشتنی‌ای بود، ستاره زاهدیان دختر مهرداد زاهدیان، مستندساز عزیز است که من از بچگی دوستش داشتم. پارمیدا مقدم هم دختر شیرین و خواستنی‌ای بود که در تمرین‌ها خوب جواب داد. کار کردن با آن‌ها هم سخت و هم شیرین است. چون آدم به عنوان یک کارگردان ۴۸ ساله مجبور می‌شود یاد بگیرد که با بچه‌ها به زبان کودکی حرف بزند و به آن‌ها احترام بگذارد و شخصیتشان را حفظ کند و به آن‌ها بفهماند کاری که انجام می‌دهند، کار خیلی مهمی است. به نظرم بازی همه بچه‌ها در مجموع راضی‌کننده و قابل قبول است.

❖ جشنواره به خودی خود نمی‌تواند برای بچه‌ها کار بزرگی انجام دهد. تا زمانی که گروه سینمایی برای اکران فیلم‌های بچه‌ها نداشته باشیم و مورد حمایت قرار نگیرد و سرمایه‌گذاری ویژه روی آن انجام نشود، جشنواره هم فقط در حد یک گردهمایی فرهنگی به نظر می‌رسد که خیلی خوب است، اما پاسخ‌گوی نیازهای بچه‌های ما نیست.

❖ در فیلم اشاراتی به قصه غول چراغ جادو وجود دارد که ریشه در همان داستان‌ها و حکایات کهن و قدیمی‌مان دارد، اما غول چراغ جادوی ما کمی متفاوت از غول‌های دیگر است. به عنوان مثال ما برای اولین بار در تاریخ فیلم‌های چراغ جادویی، به داخل چراغ می‌رویم و خانه غول را می‌بینیم و متوجه می‌شویم که غول ما چگونه زندگی می‌کند و وسایلی مثل کتابخانه، چراغ مطالعه، میز کار و تخت خواب دارد. خوشبختانه فیلم **سفر زمان** شبیه بقیه فیلم‌های کودکان و نوجوانان نیست و از جایی تقلید نشده است و سعی کرده‌ام همه چیز در فیلم اصالت داشته باشد. این قصه چراغ جادو از گذشته تا به حال برای همه بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها جالب بوده است. انگار ما بزرگ‌ترها هم به دنبال کودک گم‌شده درونمان هستیم و دوست داریم به کمک فانتزی و تخیل آن را پیدا کنیم.

❖ تجربه نشان داده است که فیلم‌هایی برای کودکان و نوجوانان موفق است که به فانتزی و خیال‌پردازی می‌پردازند و اجازه می‌دهند بچه‌ها هم در داستان فیلم مشارکت کنند و با خیال‌پردازی و رویبافی خود در فیلم حضور داشته باشند. هر چه جنبه‌های فانتزی و تخیل در فیلم‌های مخصوص کودکان و نوجوانان بیشتر باشد، جذابیت بیشتری برای بچه‌ها خواهد داشت.

❖ یکی از بهترین روش‌های آموزشی و تربیتی برای بچه‌ها فیلم ساختن برای آن‌هاست. می‌توان به کمک شیوه‌های متنوع، جذاب و تازه به آن‌ها به طور پنهان آموزش داد. بچه‌ها از هر فیلمی که نصیحت در آن به طور مستقیم گفته شود، زیاد استقبال نمی‌کنند. هر چقدر فیلم‌ها با طنز، فانتزی و تخیل بیشتری همراه باشد و پیام‌ها، دغدغه‌ها، نیازها و مسائل روز مربوط به بچه‌ها در دل قصه آن پنهان شده باشد، می‌تواند برای بچه‌ها جذاب‌تر باشد. در واقع بهتر است اجازه دهیم بچه‌ها خودشان با مشارکتی که در فیلم دارند، آن‌ها را کشف کنند و دریابند.

❖ حدود ۴۰ درصد فیلم به کمک جلوه‌های ویژه و پرده سبز در استودیوی روشنا توسط آقای کامران و امیر سحرخیز اجرا شده و به نوعی فیلم ترکیب



کارگردان

امیرشهاب رضویان

تهیه‌کننده

منوچهر شاهسواری

طرح فیلمنامه

جمال امید

فیلمنامه نویس

جمیله دارالشفایی

بازنویس

امیرشهاب رضویان، تهمینه

بهرامعلیان و سید محسن

نبوی

فیلم‌بردار

مسعود امینی

تدوین: فرامرز هوتهم

بازیگران

محمد مهدی احدی، محمد

مین‌باشی، رضا بهبودی،

خسرو احمدی، سیاوش

چراغی‌پور، سیامک

احصائی، رابعه مدنی

خلاصه داستان

پسر بچه‌ای در میان وسایل پدرش یک چراغ جادو پیدا می‌کند. او که از رفتارهای ضعیف پدر در مقابل دیگران ناراحت است، با کمک غول چراغ جادو به آینده می‌رود و...



محمود قنبری / مدیر دوبلاژ

انیمیشن ۹:۲۰ در بوشهر توسط گروه دیگری دوبله شده بود، اما کارگردان آن کار را به انجمن آورد و خواست که دوباره دوبله مجدد شود. کار خوب و متمایزی بود، عده‌ای جوان برایش زحمت کشیده بودند، اما گروه قبلی دوبله با ۲۰ گوینده در عرض یک روز آن را دوبله کرده و تقریباً می‌توان گفت فاجعه‌ای تحویل داده بودند.

گویندگی در این نوع انیمیشن‌ها کاملاً متفاوت است. در انیمیشن‌های دیگر ما با یک سری تیپ روبه‌رو هستیم، ولی در این انیمیشن مثل یک فیلم سینمایی با کاراکترهای همچون هنرپیشه‌ها طرفیم که یک قصه را روایت می‌کنند. مثل انیمیشن عصر حجر که ۵۰ سال پیش آن را دوبله کرده بودم و اخیراً دوباره برای «مؤسسه قرن بیست و یک» آن دوبله کردم. این انیمیشن نقاشی است، یک سری تیپ دارد که گویندگان باید جای آن‌ها حرف بزنند. تفاوت این دو در گویندگی و دوبله کار بسیار است.

قصه دوبله انیمیشن و اتفاقات ناخوشایندی که به وجود آورد، از چند سال پیش آغاز شد. همان زمان که عده‌ای به صورت قاچاق کارها را دوبله کردند، آن‌ها شکل دیگری به دوبله دادند. وزارت ارشاد خواست علیه این فعالیت‌ها اقدامی انجام دهیم، ما در جواب گفتیم که این‌ها ربطی به انجمن ندارد، اما بعدتر دیدیم که همان‌ها آمدند و خواستند به عضویت انجمن دربیایند که با مخالفت مواجه شدند، چون کار قاچاق کرده بودند و ممکن بود فضای انجمن را هم آلوده کنند.

اما همین گروه که از سوی وزارت ارشاد هم مستحق اقدامی بازدارنده بودند، کارهایی را برای شبکه پنج دوبله کردند و حتی توانستند از وزارت مجوز بگیرند. گرچه در کنار این مسائل، انیمیشن‌های تولید داخل به پیشرفت‌های قابل توجهی که مستلزم وجود امکانات و ابزار بود، رسیدند. دستگاه‌های بهتر و پیشرفته‌تری در اختیار دارند و توانستند انیمیشن را از حالت مهجور خود خارج کنند.

انیمیشن در ایران هنوز نوپاست

❖ با وجود این که با مسئله مهم و حساسی مثل انرژی هسته‌ای مواجه هستیم، اما گره اصلی داستان توسط یک کودک باز می‌شود و دلیلش این است که آن کودک نسبت به محیط پیرامونش از بزرگ‌ترها توجه و دقت بیشتری نشان می‌دهد و برخلاف آن‌ها از چیزهای کوچکی که به ظاهر بی‌اهمیت به نظر می‌رسند اما بعد می‌بینیم نقش مهمی در جلوگیری از فاجعه دارند، به راحتی نمی‌گذرد و حتی بزرگ‌ترها را هم متوجه آن می‌کند.

❖ در ظاهر کودک قصه ما ارتباط مستقیمی با موضوع انرژی هسته‌ای ندارد و دلش برای پدرش که در نیروگاه اتمی بوشهر کار می‌کند، تنگ شده است. اما در لایه‌های زیرین فیلم یک موضوع مهم ملی را برای مخاطب کودک و نوجوان مطرح می‌کنیم و روی ناخودآگاه آن تأثیر می‌گذاریم و توجه او را به این جریان جلب می‌کنیم که این موضوع که ظاهراً به او ربطی ندارد، چقدر در سرنوشت و آینده او نقش مهمی خواهد داشت.

❖ رابطه عاطفی پدر و دختر بچه فیلم و همراهی و هم‌دلی که میان شخصیت کودک و خانواده‌اش در شرایط سخت و بحرانی رخ می‌دهد، می‌تواند به طور مستقیم برای بچه‌ها آموزنده باشد، ولی نکات دیگری به طور غیرمستقیم برای جذب آن‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آن انیمیشن بودن فیلم است که اساساً مورد علاقه بچه‌هاست و از دل آن به بخشی از پرسش‌ها و مسائل بچه‌ها درباره موضوعات روزی که درگیرش هستند، پاسخ داده می‌شود.

❖ انیمیشن سینمایی ما به شدت نوپاست و تازه در حال طی کردن پله‌های اول است. این انیمیشنی که ما ساختیم، فقط پیشنهادی به سینمای ایران است که می‌گوید می‌تواند به انیمیشن اعتماد کند و مجال بیشتری در اختیار آن بگذارد. و گرنه ما روی این کار ادعای بزرگی نداریم که یک انیمیشن خیلی عالی ساخته‌ایم که باید مورد توجه زیاد قرار بگیرد، بلکه باید به آن به عنوان یک فرصت تازه برای سینمای ایران نگاه کرد. بنابراین ما تلاش کردیم که با همین

امکانات و زمان محدودی که در اختیار داشتیم، حقانیت انیمیشن را به سینمای ایران ثابت کنیم تا فضای بیشتری برای کار کردن در این زمینه فراهم شود. امیدوارم مسئولان توجه بیشتری نشان دهند و حتی اجازه بدهند چند انیمیشن خراب شود و به نتیجه مطلوب نرسد تا تجربه‌های لازم به دست آید و موقعیت برای ساختن انیمیشن‌های عالی مهیا شود.

❖ یکی از مشکلاتی که مانع کار در زمینه انیمیشن است، همان مشکل کلیشه‌ای است که بارها گفته شده که در این عرصه سرمایه‌گذاری نمی‌شود و چاره‌اش این است که جسارت بیشتری به خرج داده شود و سرمایه‌بیشتری روی انیمیشن‌سازی صورت بگیرد. اما موضوع غیر تکراری که می‌خواهیم به آن اشاره کنیم و به نظرم بزرگ‌ترین مانع به حساب می‌آید، این است که فرهنگ کار نداریم. ما احتیاج داریم گروه‌هایی که انیمیشن کار می‌کنند، پشتکار و همت بیشتری از خودشان نشان بدهند، توقع کمتری داشته باشند، در برابر سختی‌های کار صبر و تحمل بیشتری از خود نشان دهند و نخواهند یک‌شبه راه صدساله را بزنند. در کشورهای دیگر می‌بینیم که یک گروه ۵۰ نفره حدود دو سال روی یک انیمیشن کار می‌کنند و نتیجه خوبی هم می‌گیرند، ولی این‌جا نمی‌توانیم ۵۰ نفر را به مدت سه ماه در کنار هم حفظ کنیم.

❖ به نظرم خیلی بیشتر از آن‌چه الان هست، باید به جشنواره کودک و نوجوان بها داده شود. چون در برقراری ارتباط بچه‌ها با سینما و ایجاد فرهنگ سینما رفتن و فیلم دیدن در آن‌ها نقش مهمی دارد و ما می‌توانیم به کمک آن فرهنگ خودمان را به بچه‌هایمان منتقل کنیم. چون مسائلی که در دوران کودکی و نوجوانی بر بچه‌ها تأثیر می‌گذارد، خیلی ریشه‌دارتر و عمیق‌تر خواهد بود. اگر می‌خواهیم آینده بچه‌هایمان را تضمین کنیم و از بروز مشکلات بعدی جلوگیری کنیم، همین حالا باید برایشان وقت بگذاریم و به نیازها و دغدغه‌هایشان توجه نشان دهیم و پایه‌های فرهنگی‌شان را جهت‌دهی کنیم و آن‌ها را در مسیرهای درستی قرار دهیم.



کارگردان
محمدامین همدانی
فیلمنامه‌نویس
علی دادرس
تهیه‌کننده
حامد جعفری
کارگردان هنری
وحید چالاک قدیری
مدیر دوبلاژ
محمود قنبری
گویندگان
حسین عرفانی، محمود قنبری، پرویز ربیعی، زهره شکوفنده

خلاصه داستان
داستان درباره یک کاروان حامل سوخت انرژی اتمی به بوشهر است که در طول مسیر تعدادی از سرویس‌های جاسوسی تلاش می‌کنند تا مانع رسیدن آن به نیروگاه اتمی شوند و در این میان کودکی وارد ماجراها می‌شود و جلوی فاجعه انفجار کاروان را می‌گیرد.



جشنواره کودک اصفهان جایگاه بین‌المللی خوبی دارد



شما در جشنواره‌های زیادی حضور داشته‌اید. ویژگی یک جشنواره بین‌المللی چیست و آیا جشنواره اصفهان این ویژگی بین‌المللی بودن را دارد؟

قطعاً اصفهان یک جشنواره بین‌المللی است. جشنواره بین‌المللی باید فیلم و داور از کشورهای مختلف داشته باشد که اصفهان هم دارد. در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی بخش‌های متنوعی مانند مسابقه، خارج از مسابقه و مرور آثار وجود دارد که در جشنواره اصفهان هم ما همه این بخش‌ها را داریم. درحقیقت جشنواره اصفهان همه‌امان‌های یک جشنواره کودک بین‌المللی را دارد، با این تفاوت که بین جشنواره‌های کودکی که

امیر اسفندیاری سال‌هاست که چهره فعال بخش بین‌الملل جشنواره‌های معتبر ایران است. او معاونت امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی را برعهده دارد و در همه جشنواره‌های مهم دنیا به عنوان نماینده‌ای از سینمای ایران حضور پیدا می‌کند. تجربه زیاد اسفندیاری در بخش بین‌الملل باعث شده است که جشنواره کودک اصفهان هم در بخش بین‌الملل اعتبار زیادی کسب کند. با اسفندیاری درباره جشنواره کودک اصفهان و بخش بین‌الملل و مهمانان آن گفت‌وگو کردیم.

است، به عنوان داور و مهمان در جشنواره کودک اصفهان حضور خواهد داشت. این سری انیمیشن‌های بدون کلام می‌تواند با همه فرهنگ‌ها ارتباط برقرار کند و در همه جای دنیا به‌خصوص در ایران طرفداران زیادی دارد.

امسال چه چهره‌های مطرحی در جشنواره کودک اصفهان حضور پیدا می‌کنند؟

امسال ما از حدود ۱۵ کشور داوران کودک و نوجوانان را انتخاب کرده‌ایم. به جز آن‌ها از بزرگان سالان هم آدم‌های مهمی حضور پیدا می‌کنند؛ رئیس انجمن فیلم کودک هند، برنامه‌ریز جیفونی، کارگردان فیلم پاورچین که قبلاً در همین جشنواره فیلم کودک اصفهان برنده جایزه شده بود و معاون سیفژ که جزو هیئت داوران سه‌نفره سیفژ است و دبیر جشنواره بنگلور جزو مهمانان ما هستند. یکی دیگر از مهمانان مهم ما یک فیلم‌ساز تاجیک است که چون تاجیکستان کشور هم‌زبان ما محسوب می‌شود، حضورش برایمان از اهمیت زیادی برخوردار است. ایشان رئیس هنری جشنواره دیدار و معاون اتحادیه فیلم‌سازان تاجیکستان هستند.

در انتخاب مهمانان چه معیارهایی را مد نظر دارید؟

ما همیشه آدم‌های مهم در ارتباط با سینمای کودک را دعوت می‌کنیم. کسانی که در سینمای کودک تأثیرگذار هستند. حالا یا به لحاظ هنری آدم‌های مهمی هستند مثلاً کارگردانان یا در فیلم‌های دیگر فعالیت می‌کنند یا عضو سازمان‌های فعال مثل سیفژ هستند یا رؤسای جشنواره‌های مختلف. هیچ آدم بی‌ربطی در جشنواره کودک حضور ندارد و همه دست‌اندرکاران سینمای کودک هستند.

امسال با سال گذشته در بخش بین‌الملل تفاوتی هم وجود دارد؟

یکی داورى بخش یونیسیف است که البته سال گذشته هم در جشنواره فیلم کودک اصفهان حضور داشتند، اما امسال حضورشان پررنگ‌تر شده است. اتفاق دیگر جشنواره امسال برگزاری یک کارگاه آموزشی است. خانم مایکی کانتولا از فنلاند قرار است یک کارگاه انیمیشن برگزار کنند با بچه‌هایی که هیچ زمینه‌ای در سینما ندارند. این بچه‌ها بین ۱۲ تا ۱۴ سال سن دارند و در نهایت نتیجه کار آن‌ها را در اختتامیه جشنواره خواهیم دید.

من رفته‌ام مانند جشنواره کودک توکیو یا چین که در آن‌ها داور بودم و همه‌شان هم جشنواره‌های بسیار خوب و مهمی هستند، یا جشنواره‌های کودک معتبری چون جیفونی و سینه‌کیده‌هلند، جشنواره کودک ما از لحاظ گستردگی خیلی وسیع‌تر از همه آن‌هاست. زمان برگزاری جشنواره کودک در سطح ایران یک‌سری اتفاقات می‌افتد. از آن طرف ما در جشنواره اصفهان داورى کودک و نوجوان را داریم که از کشورهای مختلف نوجوانان در آن حضور پیدا می‌کنند و آثار مربوط به خودشان را داورى می‌کنند.

جشنواره کودک اصفهان از جایگاه خوبی میان چهره‌های تأثیرگذار سینمای کودک برخوردار است؟

بله، جشنواره اصفهان جایگاه خوبی دارد. فقط به لحاظ تبلیغاتی می‌شود مانور بیشتری روی آن داد و این کار هم از این طریق میسر می‌شود که خبرنگاران خارجی بیشتری در جشنواره حضور پیدا کنند تا دامنه تبلیغات بین‌الملل بیشتر شود. نکته دیگر این است که جابه‌جایی مکان جشنواره به لحاظ بعد بین‌المللی خبر خوبی نیست. جشنواره کودک اصفهان از قدیم پرآوازه بوده و دبیران جشنواره‌های دیگر راغب هستند که به جشنواره اصفهان بیایند. نه این‌که فقط حضور داشته باشند، بلکه علاقه‌مند به داورى در جشنواره کودک هستند. خیلی از آن‌ها از جشنواره کودک اصفهان فیلم‌های جشنواره‌های خودشان را انتخاب می‌کنند. حتی خیلی از مهمانان ما را به عنوان داوران جشنواره‌های خودشان برمی‌گزینند. همه این‌ها اتفاقات خوبی است که می‌افتد. وقتی جشنواره در جای معینی استقرار پیدا کند، هویتش به شهری که در آن برگزار می‌شود، گره می‌خورد. نام جشنواره کودک هم از دیرباز با اصفهان گره خورده است. این رفت و برگشت‌ها بین اصفهان و شهرهای دیگر یک نقص است. جشنواره باید به صورت درازمدت در یک جای مشخص برگزار شود. اصولاً به لحاظ بین‌المللی دو نکته هست که در اعتبار جشنواره اهمیت زیادی دارد؛ مکان برگزاری جشنواره و زمان برگزاری آن.

بخش بین‌الملل تعیین می‌کند که هر سال چه آثار خارجی‌ای مرور شوند؟

فقط برعهده بخش بین‌الملل نیست. بلکه در یک شورای برنامه‌ریزی در این رابطه صحبت و تصمیم‌گیری می‌شود. پت و مت اتفاق خوب جشنواره امسال است. خالق آن‌ها در گذشته، ولی پسرش که او هم از کارگردانان این انیمیشن مشهور

INTERNATIONAL REPUTATION OF ISFAHAN FILM FESTIVAL

Amir Esfandiari, director of International Department of Farabi Foundation, in an interview explained about place International Festival of Films for Children and Young Adult among other remarkable and effective film festivals related to children and young adults and stated, Isfahan's festival possesses a good place but it can be even better with more publicity which requires more international media presence. The other point is that, changing the place of festival is not good news regarding international issues. Isfahan International Festival of Films for Children and Young Adult has had a good reputation and secretary of other festivals are enthusiastic to attend at this festival, not just for a presence but they are interested in being here as jury member.

صوفیا نصرالهی

مهتاب کرامتی به عنوان سفیر حسن نیت یونیسف انتخاب شده است و امسال هم جزو داوران بخش مسابقه ایران و هم یکی از اعضای هیئت داوران بخش مسابقه یونیسف است.

رسالت سینمای کودک نزدیک کردن مردم جهان به یکدیگر

یا قصه‌های مجید و کارهای کیومرث پوراحمد در سینمای ما ساخته شده‌اند. ولی خب تعداد این فیلم‌ها اندک است و در یک برهه هم کاملاً سینمای کودک به فراموشی سپرده شد، چون آن قدر در زمینه صنعت سینما و سرمایه‌گذاری و پروسه ساخت دچار مشکل شدیم که دیگر تولید فیلم‌های کودک امکان‌پذیر نبود. اما آرام آرام اتفاقات خوبی افتاد. امسال من در بخش مسابقه سینمای ایران در جشنواره کودک اصفهان ۱۷ فیلم دیدم که چند تایش فیلم‌های برای کودکان بود. این‌ها حرکت‌های مثبتی است.

به نظر شما یونیسف و سینمای کودک چه تعاملی می‌توانند با هم داشته باشند؟
یونیسف در تفاهم‌نامه‌ای که با فارابی امضا کرده است، روی این موضوع تأکید کرده که آمادگی دارد هرگونه مشاوره بابت فیلم‌نامه فیلم‌های کودک بدهد. در همین یک سال گذشته نمونه‌هایی داشتیم که مراجعه کردند و کمک فکری گرفتند که فیلم‌هایشان براساس آموزه‌های کنوانسیون حقوق کودک و یونیسف ساخته شود. هر دو طرف می‌توانند به هم کمک کنند.

همکاری یونیسف با جشنواره کودک اصفهان را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا دستاورد مفیدی خواهد داشت؟

صدا در صد. اگر قرار باشد یونیسف با سینما مرتبط شود، بهترین حوزه برای پیشرفت این همکاری‌ها، جشنواره فیلم کودک اصفهان است که بسیار جشنواره معتبری است و در اندازه‌های استاندارد برگزار می‌شود.

به عنوان داور بخش یونیسف چه ملاک‌هایی برای فیلم‌های مورد نظر تان دارید؟

در یک کلام می‌توانم بگویم محتوا، ولی قطعاً این محتوای مناسب باید در یک بستر و ساختار سینمایی مناسب از نظر بیننده قرار بگیرد که بتواند تأثیری را که باید، داشته باشد. دقت می‌کنم که داستان‌ها برای کودکان و بزرگسالانی که به این عرصه توجه می‌کنند، پیام مناسبی داشته باشد و فرهنگ‌سازی مناسبی در این حوزه ایجاد کند. موضوعی که شخصاً برای خودم اهمیت دارد، آن است که محتوای فیلم‌ها برای بچه‌ها و نوجوانان بدآموزی نداشته باشد. یادمان باشد که یونیسف همه بچه‌های بین صفر تا ۱۸ سال را جزو کودکان طبقه‌بندی کرده است.

به عنوان سفیر صلح یونیسف در ایران فکر می‌کنید سینما می‌تواند زبان مشترکی بین همه کودکان دنیا باشد؟

اتفاقاً این شاید یکی از بی‌شمار حسن‌هایی است که سینمای کودک دارد. مقوله کودک، مقوله‌ای است که امکان ندارد انسان‌ها نسبت به آن فارغ از مسائل سیاسی و اجتماعی، گارد منفی داشته باشند. سینمای کودک می‌تواند رسالت مهمی در نزدیک کردن مردم کل جهان به یکدیگر داشته باشد. ■

به عنوان سفیر صلح یونیسف رابطه‌تان با جشنواره کودک چطور است؟ آیا پیش از این هم با جشنواره کودک اصفهان همکاری داشتید؟

از زمانی که به عنوان سفیر یونیسف انتخاب شدم، تمام تلاشم را کردم که در ایران ارتباط بین سینما و یونیسف به بهترین شکل ممکن برقرار شود. درست است که تازه اول راه هستیم و این هم یک شروع جدید است. ولی ما همه سعی‌مان را کرده‌ایم که یونیسف کنار سینما باشد. اول در ایران این گام را برداشتیم تا بعد در کشورهای دیگر منطقه هم بتوانیم این ارتباط را شکل بدهیم. به خصوص مایلم از طریق یونیسف فیلم‌های کودک ایران را به کشورهای دیگر منطقه معرفی کنیم تا با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. کارهایی هم در این رابطه در دست اقدام داریم که خبرشان را متعاقباً اعلام خواهیم کرد. همکاری یونیسف با جشنواره اصفهان از سال گذشته آغاز شد. به دنبال تفاهم‌نامه‌ای که یونیسف با فارابی امضا کرده، شروع به حرکت‌هایی کرده‌ایم که سینما و یونیسف در ایران و بعد در منطقه روابط سازنده‌ای داشته باشند. در این تفاهم‌نامه ذکر شده که یونیسف با فارابی در جشنواره کودک اصفهان همکاری می‌کند. این همکاری به شکل همان جایزه ویژه‌ای است که یونیسف توسط هیئت داوران خودش به فیلم اول می‌دهد و دیپلم افتخاری که از طرف یونیسف به فیلم دوم تعلق می‌گیرد.

به نظر تان مشکلات اساسی کودکان که باید درباره‌شان فیلم ساخته شود، چه چیزهایی هستند؟

موضوعات متعددی هستند، اما اگر بخواهم از منظر یونیسف که یک دیدگاه انسانی و مشترک با همه جهانیان هم هست نگاه کنم، باید در یک کلام بگویم: احقاق حقوق کودکان. این احقاق حقوق کودکان البته تعریف گسترده‌ای دارد که هم شامل حقوق مادی و هم معنوی می‌شود. بگذارید برای روشن شدن ماجرا مثال بزنم. ما باید توجه کنیم همه کودکان حق دارند از تغذیه مناسب بهره‌مند باشند. حق دارند که در حوزه سلامت امکانات مناسبی داشته باشند. باید به دور از تبعیض جنسیتی امکان آموزش و تحصیل برایشان فراهم شود. همه این‌ها در یک جمله می‌شود احقاق حقوق کودکان و فراهم کردن این امکان که بچه‌های ما کودکی کنند. یعنی به خاطر مشکلات و معضلات گوناگونی که وجود دارد، کودکی‌شان فراموش نشود.

شما فکر می‌کنید سینمای کودک ایران به این موضوعات به اندازه کافی بها داده است؟

هنوز خیلی راه داریم تا بتوانیم به ایده‌آل‌هایمان در این زمینه دست پیدا کنیم. به خصوص که هنوز در کلیت سینمایمان هم با ایده‌آل‌هایمان فاصله زیادی داریم و خب این فاصله در حوزه فیلم کودک یا فیلم برای کودکان هم هست. البته فیلم‌های درخشانی در این حوزه داریم. به عقب که برگردیم، فیلم‌هایی مانند دونه، شهر موش‌ها، گلنار، پاتال و آرزوهای کوچک



UNDENIABLE EFFECT OF CINEMA ON OUR LIVES

Mahtab keramati Iranian actress and UNICEF National Ambassador in Iran in an interview explained about her UNICEF activities. In this interview she emphasized on the undeniable effect of cinema not only on children's lives but also on adults' lives. She believed currently, cinema is working as an effective tool for culture improvement and delivering the message society needs to hear. Cinema must be entertaining as well as informative.

"My Colleague and I in cinema realize that we should not underestimate role of cinema". Keramati continued, "Delivering its proposed messages, UNISEF has always considered the role of cinema. If we classify cinema regarding these issues, it can be categorized as , documentary, fiction, animation or using cinema stars or cineastes to achieve UNICEF goals which are supporting children around the world."



یونیسف، حامی مقتدر جشنواره

یونیسف و جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان ایجاد شده که به عنوان سرآغاز مشارکت این دو نهاد، گام مثبتی به نظر می‌رسد. اگر دوستان هم یادشان بیاید، مذاکرات اولیه مربوط به این همکاری در واقع با وساطت خود من بین خانم مهتاب کرامتی و آقای احمد میرعلایی شکل گرفت که البته قرار بود اتفاقات بیشتری هم متعاقب آن بیفتد که متأسفانه هنوز نیفتاده است. این که در سال‌های اخیر وضعیت کمیّت و کیفیت تولیدات در عرصه سینمای کودک و نوجوان دچار افول نگران‌کننده‌ای شده است، بر کسی پوشیده نیست. تشکیلات بین‌المللی یونیسف، یونسکو و سیفژ هر کدام به نسبت فعالیت نمایندگی‌هایشان در ایران، می‌توانند از مسیر ارتباط فعال با نهادی چون آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری و کلیه تشکل‌های مدنی و دولتی مرتبط به کودکان، ویتربین سالانه بهتری از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و همین‌طور جشنواره رشد را رقم زنند و با تداوم تعامل و همکاری‌شان در طول سال، در سامان‌بخشی به این حوزه نقش مهمی را ایفا کنند. «طائرپور درباره پذیرش داوری یونیسف در جشنواره امسال هم ابراز کرد: «پذیرش مسئولیت داوری فیلم‌ها در ژوری یونیسف، فرصت مناسبی برای من بود تا ضمن تماشای تولیدات یک سال اخیر سینمای کودک و نوجوان، از فرصت پیش‌آمده برای ادامه مذاکرات مربوط به لزوم افزایش ارتباط و فعالیت این نهادهای بین‌المللی با جشنواره فیلم‌های کودکان نیز استفاده کنم. شک ندارم که جدیت و حساسیت خانم مهتاب کرامتی به عنوان مسئول این جریان در یونیسف، راه را برای اقدامات بزرگ‌تر در این عرصه هموار خواهد کرد.»

هم‌چنین بهاره یگانه‌فر، مدیر روابط عمومی و ارتباطات یونیسف در ایران، درباره معیارهای داوری در بخش یونیسف گفت: «امسال دومین سالی بود که به عنوان داور از طرف دفتر یونیسف در ایران فیلم‌های جشنواره را دیدیم. از این که این همه فیلم کودک را یک‌جا می‌دیدم، ذوق و اشتیاق خاصی داشتم، به خصوص این که این روزها تعداد فیلم‌های با مخاطب کودک در کشور کم شده است. اما باید بگویم با دیدن فیلم‌های امسال تا حد زیادی اشتیاقم را از دست دادم. معیارهای امسال جایزه یونیسف برای انتخاب فیلم برتر معیارهای دشواری نبودند؛ این که فیلم به ترویج یکی از حقوق کودک به طور خاص بپردازد، این که کودک را به عنوان فردی با هویت مستقل و دارای فکر و اندیشه خلاق نشان دهد، این که فیلم فارغ از هر گونه رنگ‌وبوی سیاسی باشد، فضای شاد و پر نشاطی را ایجاد کند و البته خوش‌ساخت باشد و از نظر تکنیکی قوی باشد. دوست داشتم همه فیلم‌ها به قدری عالی بودند که موقع انتخاب دچار تردید می‌شدم که بالاخره جایزه یونیسف را به کدام یک از این همه فیلم خوب بدهیم. اما این‌طور نبود. برخی از فیلم‌ها یک یا دو معیار را رعایت کرده بودند و به بقیه معیارها اصلاً نپرداخته بودند. برخی دیگر هم کاملاً کش‌دار و دارای ریتمی بسیار کند بودند. وقتی مخاطبان این فیلم‌ها کودکان و نوجوانان امروز هستند، قطعاً جذابیت متن، ساختار و البته فرم باید کاملاً دست به دست هم دهد تا مخاطب را میخکوب کند و در پایان تلنگری در ذهن او بزند که آن نکته فراموش شده در مورد کودکان در این فیلم چیست و کارگردان کدام یک از ویژگی‌ها یا حقوق کودکان را برجسته کرده است؟ از سوی دیگر نکته تحسین‌برانگیز در همه فیلم‌ها، بازی هنرمندانه کودکان بود. بازیگران کودک و نوجوان در اکثر این فیلم‌ها بازی بسیار دوست‌داشتنی و باورپذیری از خود ارائه داده بودند که من بیننده را بسیار تحت تأثیر قرار داد. امیدوارم با حمایت و تلاش بنیاد سینمایی فارابی و دیگر حامیان و فعالان حوزه سینمای کودک، فیلم‌سازی برای کودکان به سمت و سویی برود که فیلم به عنوان ابزاری قوی برای ترویج حقوق کودکان و افزایش مشارکت کودکان و نقش‌آفرینی فعال آنان عمل کند.» پانتها معصومی، مدیر ارتباطات و توسعه اجتماعی یونیسف، هم یکی دیگر از اعضای هیئت داوران بخش یونیسف امسال است. او درباره فیلم‌هایی که امسال در این بخش حضور دارند، گفت: «یونیسف فیلم و سینمای کودک را فرصتی برای فرهنگ‌سازی، ایجاد حساسیت اجتماعی، آموزش به کودکان و اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودک و مسائل کودکان می‌بیند. به این ترتیب در داوری فیلم یونیسف فیلم‌هایی امتیاز بیشتر آوردند که ضمن پرداختن به یکی از مسائل زندگی کودکان مناسبت داستان و شخصیت‌هایش با سن مخاطب را نیز مد نظر داشتند، الگوی مثبتی در ارتباط کودک با بزرگسالان و مشارکت او ارائه دادند و هم‌زمان از برانگیختن حس ترحم بیننده نسبت به کودک و کوچک و منفعل جلوه دادن او به عنوان یک موجود زیبا و شیرین پرهیز نمودند. در فرصتی که به عنوان داور در اختیار من قرار گرفت، گاهی جای ترویج نقش کودک به عنوان «کودک» و نه در نقش یک بالغ مسئولیت‌پذیر و توانا را خالی دیدم.»

امسال هم مانند سال گذشته یونیسف در جشنواره اصفهان بخشی ویژه خودش دارد تا جوایزی را از طرف یونیسف به فیلم‌های برتر اهدا کند. بازتاب‌های خبری همکاری یونیسف با جشنواره فیلم کودک اصفهان امسال بیشتر است. از جمله این که امسال هم یونیسف هیئت داورانی در جشنواره کودک دارد تا فیلم‌های برتر از دید یونیسف را انتخاب کرده و به آن‌ها جایزه بدهند. اعضای این هیئت داوران شامل دو عضو یونیسف، بهاره یگانه‌فر و پانتها معصومی، یک بازیگر، مهتاب کرامتی (که سفیر صلح یونیسف هم هست)، یک کارگردان و تهیه‌کننده، فرشته طائرپور و جعفر گودرزی دبیر اجرایی جشنواره فجر است. جعفر گودرزی درباره پذیرفتن داوری یونیسف در کنار مسئولیت اجرایی‌اش گفت: «با توجه به مسئولیت سنگین محوله به عنوان مدیر اجرایی جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان، تمایل چندانی نداشتم که درگیر فعالیت دیگری از این جنس شوم، اما حسن نیت جناب آقای صفی‌الدین، نماینده محترم یونیسف در ایران، و ابراز تمایل ایشان مرا مجاب کرد که با برنامه‌ریزی در فعالیت‌ها، در سمت داور یونیسف نیز مشارکت خود را با جشنواره تداوم بخشم. یونیسف به عنوان نهادی رسمی، بین‌المللی و مرتبط با کودکان و نوجوانان حامی فرهنگی مقتدر و بسیار مؤثری برای جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان ایران است و بدون شک مشارکت این نهاد در برپایی جشنواره عاملی برای اعتبار دوچندان آن خواهد بود. ضمن این که یونیسف تاکنون به تمام تعهدات خود در خصوص جشنواره عمل کرده است و با توجه به تفاهم‌نامه همکاری که امسال امضا شد، امیدوارم این همکاری مثمر‌تر و خوشایند سالیان سال ادامه پیدا کند.»

فرشته طائرپور هم به عنوان یکی از داوران یونیسف درباره همکاری این سازمان با جشنواره فجر و دستاوردهای احتمالی آن صحبت کرد: «این سخن تازه‌ای نیست که هم‌سویی و همکاری عملیاتی همه نهادهایی که به نوعی برای کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، تأثیرگذارترین عاملی است که می‌توان به کمک آن، نیازها و کمبودهای فرهنگی و تفریحی این قشر از جامعه را پاسخ داد. متأسفانه هنوز در کشور ما سازمان مسئول یا وزارتخانه ویژه‌ای برای سیاست‌گذاری مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان وجود ندارد و وزارت ورزش و جوانان نیز ظاهراً جوانان را جز در ارتباط با موضوع ورزش، به جا نیاورده و تحت توجه قرار نداده است. در حالی که شواهد بسیاری در سطح جامعه، مدام معضلات جدی فرهنگی و تربیتی بچه‌های ایرانی را به ما یادآوری می‌کنند. خوشبختانه از چند سال پیش یک همکاری سینمایی و فستیوالی امیدبخش بین مسئولان سازمان



UNICEF, SUPPORTER OF ICFF

It is the second year that UNICEF is collaborating with International Festival of Films for Children and Young Adults (ICFF). Jafar Goodarzi, one of the judges of UNICEF Jury believes that collaborating with UNICEF is so important and fruitful for ICFF and added "UNICEF has always been the supporter of this festival." Well-known producer Fereshteh Taerpour, who is one of the judges, also believes that working with UNICEF should continue since this foundation is the

best place for promoting children related issues. Bahare YeganeFar, head of public relations of UNICEF branch in Iran and one of the judges said the most important criteria for awarding a movie is that the movie must work on one of the rights of children and be free from any political agenda. Pantea Masoumi, added the winning movies are those who also pay attention to the suitability of the subject for their main children target.

صوفیا نصرالهی

بچه‌ها فیلم‌های هنری را می‌فهمند

می‌شود. فیلم درباره این است که چطور این دختر برای خانواده‌اش مرئی و نامرئی می‌شود. هیچ نوع جلوه‌های ویژه‌ای هم وجود ندارد، چون من دختر را در فیلم می‌بینیم. ایده اصلی در حقیقت رابطه بین اعضای خانواده بود. نمی‌دانم این‌جا در ایران چطور است، ولی در کشور من، والدین ساعات زیادی از روز را مجبورند بیرون از خانه به کار مشغول باشند و گاهی فرصت کافی برای توجه به بچه‌هایشان ندارند. حتی اگر ماشین خوب یا زندگی خوبی داشته باشند، ولی توجه کافی به هم ندارند.

پس در واقع نامرئی بودن در فیلمتان نمادی از مورد بی توجهی قرار گرفتن است؟

پیام فیلم این است که شما می‌توانید در یک خانواده زندگی کنید، اما به نظر تان برسد که برایشان اهمیتی ندارد. نمی‌شود همه چیز را هم گردن آن‌ها انداخت. اگر خیلی خوش‌شانس باشند، وقت پیدا می‌کنند که بچه‌هایشان را اول صبح به مدرسه ببرند.

پیشنهاد شما در این فیلم برای خانواده‌ها چه بود؟

کتابی خواندم که در آن نویسنده‌اش، پیشنهاد جالبی داشت. اسم این کتاب بود: **چطور پدر و مادر قابل قبولی باشیم؟** در این کتاب گفته بود که چطور پدر و مادر خوبی باشیم. فقط این‌که وظایفمان را در حد قابل قبولی انجام دهیم. در نتیجه کافی است که شما کم‌دی احساس هم‌دردی با بچه‌هایتان داشته باشید. اگر احساس آن‌ها را بفهمید، همه چیز راحت‌تر می‌شود. این پیامی بود که من در فیلم هم دادم. فقط این‌که به بچه‌هایتان توجه کنید.

شما امسال جزو هیئت داوران جشنواره فیلم اصفهان هستید. به نظر تان یک فیلم کودک خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

سؤال مشکلی است، به این دلیل که فاکتورهای زیادی برای یک فیلم کودک خوب وجود دارد، ولی اول برای من محتوای اخلاقی خوب فیلم است. اگر من فیلمی ببینم که پیامش واضح و خوب نباشد، قطعاً جزو انتخاب‌های من نخواهد بود. هم‌چنین دوست دارم ارتباط مناسبی بین محتوا و ساختار فیلم برقرار باشد.

به نظر تان مهم‌ترین مشکل کودکان که باید در فیلم‌ها به تصویر کشیده بشود، چیست؟

خب بستگی به نظر کارگردان و فیلمنامه‌نویس دارد. فقط باید متوجه باشید که همه دنیای کودکان در کارتون‌های دیزنی و پیکسار خلاصه نمی‌شود که خیلی هم خوب ساخته می‌شوند، ولی همه‌شان از یک جا می‌آید. ما باید فیلم‌های دیگری هم داشته باشیم. موضوعات واقعی دیگری درباره کودکان وجود دارد که باید در فیلم‌ها به تصویر کشیده شود. **درباره جشنواره کودک اصفهان نظر یا پیشنهادی دارید؟**

وجود جشنواره‌هایی مثل جشنواره کودک اصفهان لازم است، ولی من در این جشنواره بچه‌ها را ندیدم. به نظرم اگر ما سینمای کودک را داوری می‌کنیم، باید اعضای هیئت داوران کنار بچه‌ها این فیلم‌ها را ببینند.

اولین بار است که در جشنواره فیلم کودک اصفهان حضور پیدا می‌کنید؟

بله، این اولین حضور من در جشنواره است، ولی چند ماه پیش برای اولین بار به ایران آمدم. سفارت بلژیک در ایران از من دعوت کرده بود که برای نمایش فیلم‌هایم به این‌جا بیایم.

درباره کارنامه کاری خودتان کمی توضیح دهید. آیا شما صرفاً برای کودکان فیلم می‌سازید؟

من بیشتر برای تلویزیون کار می‌کنم و تا به حال فقط دو فیلم بلند ساختم. هر دوی آن‌ها هم فیلم‌های خانوادگی بوده‌اند. یعنی سعی نکردم که در این فیلم‌ها فقط با کودکان ارتباط برقرار کنم. این فیلم‌ها سطوح متفاوتی داشتند که یک سطحش مربوط به کودکان بود و در سطح دیگر با کل خانواده می‌توانست ارتباط برقرار کند.

فیلم‌های شما در جشنواره‌ها خیلی موفق بوده‌اند. حضور در جشنواره‌ها چه احساسی دارد؟

On the sly جایزه بهترین فیلم کودک اروپا را از آن خودش کرد. این جایزه خیلی مهمی بود چون اصلاً با این جایزه بود که فیلم در بقیه قسمت‌های دنیا هم دیده شد. حتی جشنواره اصفهان هم به خاطر موفقیت این فیلم بود که با من آشنا شدند و از من دعوت کردند در جشنواره امسال حضور داشته باشم. در نتیجه این فیلم توسط تعداد زیادی از بچه‌های نقاط مختلف دنیا دیده شد و خوشبختانه آن‌ها توانستند با آن ارتباط برقرار کنند. عجیب و جالب هم بود، چون این فیلم شبیه فیلم‌هایی به نظر نمی‌رسید که بتواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند. از آن دسته فیلم‌هایی بود که ریتم آهسته‌ای دارند و داستانش هم ساده بود و شبیه فیلم‌های دیزنی و پیکسار نبود که این روزها بچه‌ها می‌پسندند. اما این فیلم با کاراکترهای واقعی در دنیای واقعی توانست به دنیای بچه‌ها راه پیدا کند. این تجربه به من نشان داد که ممکن است برای بچه‌ها فیلم‌هایی ساخت که به اصطلاح به آن‌ها فیلم‌های هنری می‌گویند و این کار را طوری انجام داد که بچه‌ها آن را درک کنند. منظورم این است که لازم نیست ما دائماً کارتون یا فیلم‌های تند شاد پخش کنیم. می‌توانیم یک فیلم رئال بسازیم که با بچه‌ها ارتباط برقرار کند. **پیش از شروع فیلم‌برداری حواستان به این هست که این قرار است فیلمی برای بچه‌ها باشد یا فقط یک قصه دارید که می‌خواهید آن را به تصویر بکشید؟**

هر فیلمی که می‌سازم، چند لایه دارد. یک لایه‌اش هم برای بچه‌هاست، ولی به هر حال وقتی فیلم خانوادگی می‌سازید، باید متوجه باشید که برخی سکانس‌ها یا حرف‌ها نباید در فیلم باشد، چون این قرار است فیلمی باشد که همه اعضای خانواده کنار هم می‌بینند.

می‌توانید کمی درباره داستان فیلم موفق‌تان، *on the sly*، توضیح بدهید؟

این فیلمی درباره یک دختر نوجوان است که نامرئی است. البته که ما در فیلم او را می‌بینیم و او می‌خواهد ثابت کند که نامرئی است. در نتیجه یک‌دفعه ناپدید

رینگر فیلم‌سازی را با ساخت فیلم‌های کوتاه شروع کرد. اولین فیلم بلندش را در سال ۲۰۰۶ ساخت. بعد از آن مدتی به نوشتن و ساختن فیلم‌های کوتاه داستانی مشغول بود که یکی از آن‌ها به نام *خدا و افسردگی حاد* در جشنواره‌های مختلف جوایز گوناگونی به دست آورد. رینگر سپس دومین فیلمش، *on the sly* را ساخت که در سال ۲۰۱۲ جایزه بهترین فیلم کودک اروپا را کسب کرد و بعد از آن نام رینگر به عنوان یکی از کارگردانان حوزه سینمای کودک مطرح شد. او امسال عضو هیئت داوران بخش بین‌الملل جشنواره فیلم کودک اصفهان است و درباره فیلم‌های کودک و جشنواره حرف‌های جالبی برای گفتن داشت.



CHILDREN CAN UNDERSTOOD ARTY FILM

We have to educate children with movies we make. It's possible to show them something different. And the biggest problem for me is we don't show movies with real character. It's always cartoon and dreamy world and 3D. some people think if they want to amuse children they must show them unreality.

My film, "on the sly" can be seen by everybody and also by children. They can relate to it and it's very interesting because it's sort of art film for children with simple story and slow pace. It's not like the pixar or Disney movies that children used to see. so it's possible to make arty movie for children and they can be understood by children.



در جست‌وجوی حلقه گم‌شده تبدیل فانتزی به تصویر

سرخیز در ادامه این بحث پیشرفت این نوع سینما و جلوه‌های بصری را در گرو توجه و اعتماد فیلم‌ساز به متولیان این گروه دانست. چیزی که در این زمینه اهمیت دارد، نه فقط حضور خود تکنولوژی، بلکه افرادی هستند که متصدی و اجراکننده آن هستند. حلقه گم‌شده ما در این میان همین ترجمه تصویری خیال است. یکی خیال می‌کند و دیگری باید آن را تصویر کند. رابطه بین این دو باید درست شکل بگیرد. این تکنولوژی هنوز به شکل درست وارد کشور ما نشده و باید تلاش کنیم تا آن را در مسیر درست اجرا کنیم. هم‌چنین دکتر معتمدی علت عدم پیشرفت سینما در این حوزه را معلول اقتصاد بیمار سینما دانست. این اقتصاد باعث می‌شود فیلم‌ساز سمت تجربه‌های متفاوت نرود و خودش را محدود کند. ما پتانسیل خوبی داریم و باید از آن در جهت درست استفاده کنیم. در یک برهه سینمایمان دچار رکود شد. سینمایی که می‌خواهد سرگرم کند، باید قصه بگوید و آن را به زبان تصویر درست روایت کند. این مهم‌ترین نکته است. این‌که بتوانیم تصویر درستی از آن‌چه در ذهن و خیال نویسنده یا کارگردان است، ارائه دهیم. ما حتی فیلم‌های مطرحی را هم که با جلوه‌های بصری سنگین می‌بینیم، نمی‌توان خیلی جدی قلمداد کرد. در همان فیلم‌ها به ندرت قصه فیلم به یادمان می‌ماند و مهم‌ترین ویژگی‌شان سرگرم‌کننده بودن است. جالب است نسخه‌های اولیه این فیلم‌ها به لحاظ جلوه بصری ضعیف‌تر است و در قسمت‌های بعدی پیشرفت می‌کند.

بهرام عظیمی کارگردان انیمیشن **تهران ۱۵۰۰** نیز درباره چرایی تجربه‌های فقیر ما در زمینه انیمیشن و فانتزی گفت: گاهی بعضی از کارگردان‌ها برای کارهای جدی‌تری بی‌علاقه عمل می‌کنند و آن انگیزه‌ای را که مثلاً در ارائه یک نسخه کوتاه به عنوان نمونه کارشان ارائه می‌دهند، نشان نمی‌دهند. سطح توقعاتشان پایین است و مشکلات مختلف باعث می‌شود بچه‌های با استعداد که بسیار هم در زمینه کاری خود کاربلد هستند، رغبت نداشته باشند.

فرزاد اژدری هم که با ساخت دو فیلم فانتزی علاقه خود به این حوزه را نشان داده، در ادامه گفت: متأسفانه در گذشته وضعیت به گونه‌ای بود که خیال و فانتزی خیلی جایی در زندگی ما نداشت و خیلی اجازه نمی‌دادند با این موضوعات رشد پیدا کنیم. ما متعلق به نسلی هستیم که خیلی چیزها از ما دریغ شد و به کمترین‌ها قناعت می‌کردیم.

گفتنی است در میانه این نشست غلامرضا آزادی و وحید نیکخواه‌آزاد نیز با ارائه نقطه نظرانی به بحث و گفت‌وگو پرداختند.



یک هماهنگی نرسیده است. تئورسین‌ها تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند و حتی می‌بینیم خیلی جاها از این عناصری که مطرح شد، تخطی کرده‌اند. به نظرم وارد شدن به حوزه این تئوری‌ها اگر با نتیجه‌ای همراه نباشد، نمی‌تواند مفید باشد. بحث اصلی ما فقدان عنصر خیال در سینماست و باید با آسیب‌شناسی درست بفهمیم چطور شد که به این وضعیت رسیدیم و چقدر از آن محصول شرایط بود. به هر حال ما این پتانسیل را در کشور داریم و با وجود منابعی مثل **شاهنامه** و **هزار و یک شب** که فانتزی‌نویس‌های غربی هم از آن‌ها به عنوان مرجع استفاده می‌کنند، ولی متأسفانه جلوه‌ای از آن در سینمای خودمان نمی‌بینیم. چیزی که در این موضوع اهمیت دارد، ترجمه تصویری عنصر خیال به زبان سینماست. تا وقتی که خیال و افسانه بدون قالب تصویر مطرح بود، مشکلی ایجاد نمی‌شد. ولی از وقتی که بحث تصویر به میان آمد، دچار یک گسست شدیم. در بخش دیگری از این نشست فریال بهزاد با اشاره به شروع سینمای فانتزی با فیلم‌های **کاکلی** و **دره شاپرک‌ها** گفت متأسفانه از آن زمان به بعد سینمای ایران نتوانست با تکنولوژی پیش برود. تلاش‌هایی هم صورت گرفت، ولی با فیلم‌های مطرح این حوزه فاصله بسیاری داشت. من خودم عاشق سینمای فانتزی هستم، ولی نگاه خوبی به این سینما وجود ندارد و آن را مهم تلقی نمی‌کنند.

“

دومین نشست تخصصی جشنواره، شب گذشته با حضور کارشناسان این حوزه برگزار شد. در این نشست که با حضور علی علائی به عنوان مجری، نیما حسینی‌نسب، منتقد و کارشناس، بهرام عظیمی کارگردان و انیماتور، فرزاد اژدری، نویسنده و کارگردان، امیر حسین سرخیز و دکتر معتمدی، مدیر جلوه‌های بصری، فریال بهزاد، کارگردان و ترلان پروانه، بازیگر برگزار شد، نقطه نظرات مختلفی درباره شکل و نحوه پرداخت به عنصر خیال و فانتزی در سینمای کودک مطرح شد. علائی در ابتدای نشست با بیان این‌که روایت‌های مختلفی از افسانه‌ها و حکایت‌های موردعلاقه کودکان در طول سال‌ها تغییر کرده، گفت بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد در این نوع افسانه‌ها پنج عنصر اساسی وجود دارد. پایان خوش، مطلق بودن خوب و بد، حتمی بودن مجازات شخصیت شرور، نیاز کودک به جادو و تطابق ذهن کودک با ساختمان افسانه. تلاش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته و باید دید چرا دچار تغییر مسیر شده است.

در ادامه حسینی‌نسب گفت که درباره ساختار اسطوره‌ای و خیال بحث‌های دنباله‌داری وجود دارد، ولی به

TRANSLATING FANTASY ELEMENTS INTO CINEMA LANGUAGE

In the second workshop of the 27th International Festival of Films for Children and Young Adults, Iranian cineastes and critics talked about role of fantasy in children and young adults cinema. Critics Ali Alaei and Nima Hassani Nasab, director and animator Bahram Azimi, directors Ferial Behzad and Farzad Ajdari, visual effects director Amir Hossein Saharkhiz and Amirreza Motamedi and child actress Tarlan Parvane were present. Alaei explained about five key factors in any fantasy movie, i.e. happy ending, battle of good and evil, punishment of evil in the end, presence

of magic and the harmony between mythical story and children logic. Hassani Nasab said the most important thing in making fantasy movie is to translate fantasy elements into cinema language. Saharkhiz pointed that the mere existence of technology is not enough, we need people who are capable of using this technology artistically. Motamedi added: "Since our cinema is economically sick, directors prefer not to experiment new things, which is why the number of fantasy movies in our cinema is so limited."



مسابقه



یادداشت فیلم‌ساز



گاهی از کودکانمان شناخت کافی نداریم

رهبر قنبری / پنجره

قصه فیلم پنجره راجع به بچه‌ای است که نقاشی کردن را از پشت ویتترین یک پیرمرد در کوهستان یاد می‌گیرد و چون بچه همسایه‌شان مریض است و نمی‌تواند از خانه خارج شود، پسر بچه نقاش من می‌رود و همه دنیای اطرافش را می‌بیند، می‌کشد و آن‌ها را از پشت پنجره به او نشان می‌دهد تا بتواند دوره بیماری را تحمل کند. قصه فیلم با الهام از واقعیت شکل گرفته است. از شیوه یادگیری نقاشی خود من در دوران کودکی که این‌گونه بود و البته با نیم‌نگاهی به داستان آخرین برگ او، هنری. تصویر خوب، زبان بسیار ساده و تمثیل‌سازی‌ها مواردی هستند که من سعی کردم با شیوه خاص خودم آن‌ها را به کار بگیرم برای ایجاد برقراری ارتباط بهتر با مخاطب. مخاطب کودک و نوجوان امروز به طور وسیع و آزادانه به آثار با کیفیت جهانی دسترسی دارد و در این شرایط اگر ما نتوانیم قصه‌های خودمان را با تکنیک جهانی عرضه کنیم، به تدریج از عرصه فرهنگی جهان ساقط خواهیم شد و در سطح جهان حرفی از فرهنگمان برای گفتن نخواهیم داشت و این بلایی است که بر سر کودکان و نوجوانان خودمان و به طور کلی فرهنگمان می‌آید. در اصل ما از ظرف فرهنگی جهان تهی خواهیم شد و در میان جهانیان دیگر جایی نخواهیم داشت. حالا در این بین جشنواره کودک و نوجوان هم وجود دارد که عرضه‌کننده توانی است که ما در این سینما داریم. ولی برای آسیب‌شناسی سینمای کودک و نوجوان فقط نباید جشنواره را نشان گرفت. جشنواره کودک فقط یک ویتترین است که گاهی ویتترین بضاعت ماست و گاهی ویتترین بی‌بضاعتی ما. باید از این منظر به جشنواره نگاه کرد که آیا فیلم‌هایی که در آن عرضه شده‌اند، بضاعت داشته‌اند؟ که به نظر من در ۱۰ سال گذشته آن‌چنان بضاعتی نداشتند. برخی فیلم‌سازان کودک ما در واقع جنگ شادمانی را با یک فیلم شش دانگ کودک و نوجوان اشتباه گرفتند. آثار کودک در تلویزیون ما به این دلیل ساخته می‌شود که کاری کند تا والدین با آرامش کارهای منزلشان را انجام بدهند و از دست بچه راحت شوند که این هدف آموزشی ندارد و از طرفی دیگر در سینما هم چندان خبری نیست. صرفاً جشنواره‌ای برگزار می‌شود. بارها در موقعیت‌های مختلف دیده‌ام یک‌دفعه لحن سخنرانی‌ها به فضایی کودکانه تغییر می‌کند و چون مخاطب را نمی‌شناسند، فکر می‌کنند که کودکان آدم کوچولو‌هایی هستند که چیزی متوجه نمی‌شوند. در پی این عدم شناخت فیلم تربیتی هم ساخته نمی‌شود.

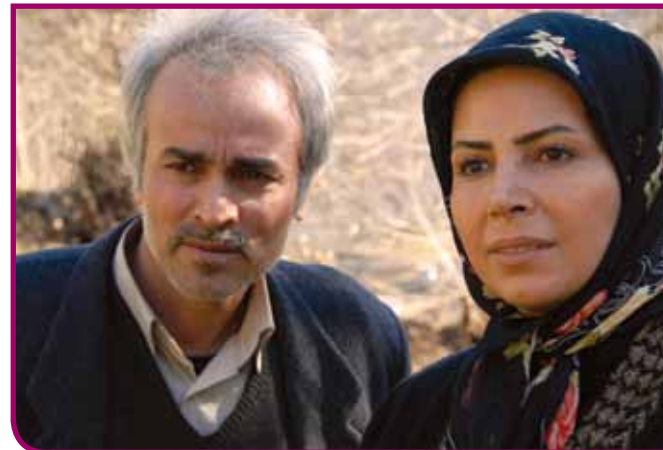
سیدناصر امامی و گروه فیلم‌های تلویزیونی شبکه دو تهیه‌کننده فیلم مسابقه به کارگردانی سیدجلال دهقانی‌اشکذری هستند. مسابقه که فیلمنامه‌نویس و تدوین‌گرش هم خود دهقانی است، ماجرای نسبتاً مدرن‌تری را در مقایسه با بقیه فیلم‌های بخش مسابقه ویدیویی روایت می‌کند. فیلم داستان شهاب و مصطفی، دو دانش‌آموزی است که خود را برای مسابقات رباتیک دانش‌آموزی آماده می‌کنند. هم‌زمان با ساخت ربات در دسرهایی برای هر دو پیش می‌آید. دهقانی‌اشکذری که زبان و ادبیات فارسی خوانده، ساخت فیلم‌های هدیه‌ای برای آسمان، جرم آزادی رادر کارنامه‌اش دارد.

آسمان مال ماست



حسن نجفی، کارگردان فیلم آسمان مال ماست، فعالیت هنری خود را با داستان‌نویسی آغاز کرد و در سال ۱۳۵۷ اولین حضور خود را در تئاتر تجربه کرد. در سال ۱۳۶۴ اولین فیلم کوتاهش را ساخت. او از کارگردانان قدیمی سینمای ایران است که تنها دو فیلم بلند سینمایی آسمان هشتم و سهم گم‌شده را در کارنامه‌اش دارد و بقیه آثارش بیشتر فیلم‌های کوتاه و تله‌فیلم هستند. نجفی این بار سراغ یک سوژه با محوریت کودکان رفته است. هرچند این فیلم هم مانند بیشتر کارهای نجفی بیشتر یک ملودرام اجتماعی است که درباره کودکان صحبت می‌کند، و گرنه سوژه تلخ فیلم ممکن است آن را جزو سینمای کودکانه قرار ندهد. آسمان مال ماست داستان زنی به نام مهتاب است که برای نجات زندگی خود با چنگ و دندان مبارزه می‌کند تا بتواند فرزند خود را از بیماری سرطان نجات دهد و کانون زندگی خود را مجدداً گرم کند. حسن نجفی کارگردان فیلم آسمان مال ماست گفته است: «این فیلم با موضوع خانواده و کودک ساخته شده است و رکن اصلی آن مادر است.» نجفی معتقد است: «این فیلم می‌تواند با تمام گروه‌های سنی ارتباط برقرار کند. فیلمنامه آسمان مال ماست را دو سال پیش براساس شرایط اقتصادی موجود نوشتم، چراکه احساس کردم ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را باید با کار فرهنگی به مخاطب و به ویژه نسل جوان ارائه داد و مردم را برای پذیرش این شرایط آماده کرد.»

پنجره



رهبر قنبری از فیلم‌سازان حرفه‌ای سینمای کودک و نوجوان است. دو فیلم رویدن در باد و پرنده‌باز کوچک به کارگردانی او هر دو موفق به کسب جوایز از جشنواره‌های مختلف شده‌اند. قنبری چند فیلم ویدیویی و مستند هم در کارنامه‌اش دارد. قربان نجفی، از بازیگران حرفه‌ای سینما که سابقه همکاری با داریوش مهرجویی در فیلم طهران، روزهای آشنایی را دارد، بازیگر نقش اصلی فیلم آخر قنبری یعنی پنجره است که در جشنواره کودک و نوجوان اصفهان در بخش مسابقه ویدیویی حضور دارد. پنجره داستان نوجوانی ۱۲ ساله به نام علی است. علی به همراه خانواده‌اش برای ساخت راه‌آهن شمال در یک آبادی زندگی می‌کند. او با فهمیدن بیماری کودک همسایه از آن‌جا که علاقه‌مند به نقاشی است، با آموزه‌هایی که از یک پیرمرد نقاش محلی می‌گیرد، سعی در سرگرم ساختن کودک با نقاشی‌های خود دارد.



ساینا اژدری، ایلیا مجیدی و کیمیا حسینی بازیگران خردسال فیلم **عملیات مهد کودک** به کارگردانی فرزاد اژدری هستند. آن‌ها در فیلم **سلام بر فرشتگان** نیز هم‌بازی بودند. از حال‌وهوای فیلم و تجربه بازیگری می‌پرسیم.

کاش ما هم فوفو داشتیم...



داشت، انجام می‌داد.
ایلیا: آقای صحت خوش‌اخلاق بود، اما تو فیلم بداخلاق بود. دوست داشتم به‌جای سروش صحت بابای خودم بازی می‌کرد.

کیمیا: نقشمو دوست داشتم. چون بین بقیه نقش‌ها بهتر بود.

ساینا: زیاد رفتم سینما هفت هشت بار...

ایلیا: سینما هم می‌رم ولی تو خون‌ام سی‌دی می‌بینم. دوبار رفتم **سلام بر فرشتگان** و **عملیات مهدکودک**.

کیمیا: ۳۰، ۴۰ بار رفتم سینما.

ساینا: بیشتر مادر بزرگم باهام بازی می‌کنه. اما مادر بزرگم فقط دوشنبه‌ها میاد خونمون باهام بازی کنه. دوست داشتم یه فوفو داشته باشم هر روز باهام بازی کنه.

ایلیا: مامان و بابام فقط یه ذره با من بازی می‌کنن. دوست داشتم منم یه فوفو داشتم و بهم کمک کنه. کمک کنه بازی کنیم.

کیمیا: منم دوست دارم یه فوفو داشته باشم تا آرزو هامو برآورده کنه.

ساینا: برای همه عوامل اسم گذاشته بودم، چون باهام شوخی می‌کردن. اسم همه‌شونو گذاشته بودم نی‌نی. به اندازه‌ای که دوستشون داشتم، شماره داشتن. مثلاً نی‌نی شماره یک، نی‌نی شماره دو. یه تلفن اون‌جا بود هی برمی‌داشتم هر روز حاضر غایب می‌کردم. مثلاً شماره ۱ رو می‌زد، نی‌نی یک می‌گفت حاضر، دو رو می‌زد، این جور.

کیمیا: دوست دارم با همه بازیگرهای سینما بازی کنم. وقتی پیش بازیگرهای بزرگ بازی می‌کردم، اون‌ها بهم یاد می‌دادن که چی کار کنم. ولی وقتی پیش بچه‌ها بودم، من به بچه‌ها یاد می‌دادم چی کار کنن. من از بزرگ‌ترها یاد می‌گرفتم و به بچه‌هایی که بلد نبودن یاد می‌دادم.

ایلیا به ساینا: یادته سلام بر فرشتگان رفتیم اصفهان برای همه‌مون یه دونه دفترچه خریدن. دوست دارم اسمال بهم اسباب‌بازی بدن.



همسایه‌ها می‌اومد تو. پنجره رو می‌بستن فیلم‌برداری می‌کردیم. باز یه ذره باز می‌کردن دوباره می‌بستن. این جور بود. آقای خمسه، راننده خونمون ما رو بازی می‌کرد. هی کارگردان تکرار می‌کرد. راننده بد می‌اومد تو. یه سری هم یکی دیگه به جاش بازی می‌کرد. همش وقتی پنکه رو روشن می‌کردن، به سمت آقای خمسه روشن می‌کردن. حرصم گرفته بود دیگه. می‌خواستیم بیام بیرون. عصبانی شدم. عرق کردم گفتیم دیگه نمی‌تونیم، بازی نمی‌کنیم، بازی نمی‌کنیم. خسته شدم. به مادر بزرگم گفتیم مگه فقط آدم بزرگ‌ها آدم‌ن. مادر بزرگم گفت اون‌ها هم آدم‌ن دیگه. گفتیم من اون‌جا آدم نیستم، من چغندر که همش باد پنکه رو می‌دارن روی آقای خمسه.

ایلیا: کارگردان همش کات می‌داد. به هیشکی نمی‌گفتم خسته شدم. اما اون‌جا دیگه خسته شده بودم. گفتم اه یعنی چی کات؟! چقدر می‌گی؟! حرصمو درآوردی!

کیمیا: فکر کنم یه ساعتی قشنگ می‌شستم تا با اون کلاه‌سی که روی سر من بود موهامو ببوشون و اصلاً معلوم نشه. زیر کلاهم پونزده شونزده تا سنجاق بود. کار فوفو خیلی گریمش سنگین بود. خسته می‌شدم، اما من نباید غر بزوم. من نقش رو قبول کردم. بازیگر باید هر کاری توی فیلم کنه. شاید گریموور بگه باید کچلت کنیم، باید حاضر باشه کچلت کنن.

ساینا: بابام بهم گفته بود من سر کار، آقای اژدری هستم. آقای کارگردان هستم. وقتی فیلم‌برداری نبود، بابام، بابام بود.

ایلیا: انتخابم کردن دیگه. بابای ساینا منو انتخاب کرد. **کیمیا:** کار قبلی‌ام با آقای اژدری بود. بدون پارتنری بازی قبولم کرد. ازم تست گرفتن و گفتن بیام این نقش رو بازی کنم.

ساینا: فرق پدر و مادر واقعی با پدر و مادرهای توی فیلم اینه که اون‌ها توجه نمی‌کردن، اما پدر و مادرم توجه می‌کنن. مثلاً مامان خودم واسه کیف مدرسه‌ام یه چیز دیگه می‌خواست، اما می‌گفت هر چی که تو دوست داری بردار. اما مامان تو فیلم هرچی که خودش دوست



ساینا: رئیس و نقشه می‌کشیدم که پدر و مادرها بشینن تو خونه باهامون بازی کنن. اصلاً محلمون هم نمی‌داشتن. برای این‌که کار داشتن. تو فیلم آقاسام (حسام نواب‌صفوی) مثلاً بابام بود و با من بازی نمی‌کرد و هی در می‌رفت. می‌خواست سر مامان شهره رو کلاه بذاره و بعد از این‌که از مسافرت برگشت، طلاقش بده. مامانم رو دوست نداشتم و همش دعوا داشتم. یه دوست داشتم اسمش «فوفو» بود. «فوفو» لباسش آبی بود، ابرو هامش آبی بود. کلا همه چیزش آبی بود. فرشته بود. کیمیا حسینی «فوفو» رو بازی می‌کرد. تو مهد کودک اسم دوست‌هام آیدا بود، نیما بود، سپهر بود، بعدیشم نیکا بود... (فکر می‌کنم) همین‌ها دیگه. دور هم جمع می‌شدیم نقشه می‌کشیدیم که مثلاً مهدکودک رو به هم بزیم. نقشه‌ها رو من بعد پدر مادرها می‌مدن مهدکودک دعوا می‌کردن با مدیر.

ایلیا: شیطونی می‌کردم. از قوطی کبریت سوسک پرت می‌کردم. بچه‌ها بدو بدو. این‌ور اون‌ور، این‌ور اون‌ور. منم دنبالشون. خیلی بچه بودیم تو مهدکودک. بعد باهم دوست شدیم یه جور. بابام آقای صحت (سروش صحت) بود.

سرش خیلی شلوغ بود. می‌رفت سر کار. مامانم وسواسی بود. بابام از سر کار برمی‌گرفته درو وا می‌کنه میاد تو می‌گه یه لقمه به من نونی چیزی بده، می‌گه نداریم. بعد خوب سر مامانه داد می‌زنه، بابا بچه می‌ره. بعد مامانه سر من داد می‌زنه. بعد منم سر عروسکم داد می‌زنم، بعد صحنه تموم می‌شه. مامان توی فیلم وسواسی بود. وسواسی یعنی یه درمبون این کار رو انجام می‌داد اون کار رو انجام می‌داد.

ساینا: نه وسواسی یعنی همه چیز رو می‌چید مرتب، می‌داشت سر جاش. اگه مثلاً دمپایی کثیف بود هی می‌شستش می‌شستش تا بالاخره تمیز بشه.

کیمیا: یه فرشته بودم که به بچه‌ها توی فیلم کمک می‌کردم. ۱۳ تا نقش داشتم. نقش فرشته تنها گریم سنگینم توی فیلم بود. یه جا یه راننده لات می‌شدم. یه زن می‌شدم، نینجا می‌شدم، افسر می‌شدم. بازرگ اداره می‌شدم.

ساینا: اصلاً پنکه روشن نبود، خاموش بود. اتاق خیلی گرم بود. تابستون بود. پنجره‌ها رو بسته بودن، چون صدای



PARVANEHA 4

27th



INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS

فرزاد آذری به همراه بازیگران کودک فیلم «صیبات مهد کودک»



پیامبر خدا (ص):
نزد هر کس کودکی هست،
باید با او کودکی کند.

The prophet:
Anyone who is
with a child should
traet him in a
childish way.

جشنواره بانشاط، یا شور کودکانه؟

گاهی نیاز نیست به اقدامات و امکانات خاصی بیندیشید و چیزی را تدارک بینید تا بتوانید جلب نظر کنید. البته این قاعده همیشه، همه جا و برای هر کسی جوابگو نیست. اما اگر جشنواره فیلم باشد و مخاطب نیز کودک و نوجوان، صادق است. شاید دیدن تصاویر دیجیتال در سینماهای تجهیز شده به امکانات نور و صدا مورد توجه کودکان هم قرار بگیرند، اما آن چیزی که به ذات آن‌ها را به هیجان وامی‌دارد، اتفاقی است که با نام آن‌ها گره خورده. قرار است این جا یک هفته تمام به کودکان و نوجوانان توجه ویژه شود و آن‌ها را موضوع اصلی هر بحث و تصمیمی قرار دهند. هر چند این بهانه به اندازه کافی لازم است تا حتی کسانی که مسئولان بسترسازی برای چنین توجهی هستند نیز به هیجان بیایند، اما رنگ و تصویر و شادی را باید ضمیمه کرد تا آن چه انجام شده در نظر مخاطبان اصلی نیز به اندازه رخداد در حال جریان مهم و خاص جلوه کند. زمانی می‌توان به نتیجه رسید که این اتفاق به درستی افتاده باشد و لبخند روی لبان کودکان و نوجوانان بنشیند. زمانی که صبح‌ها با روپوش‌های مدرسه به سالن‌های سینما می‌آیند تا در کنار هم کلاس‌های خود فیلم‌هایشان را ببینند. یا زمانی که فیلم خارجی را تماشا نمی‌کنند آن قدر که حواسشان معطوف پشت سرشان است که کسانی نشسته‌اند و صدای شخصیت‌های فیلم را می‌گویند. همین شوق و شغف دلیلی می‌شود که... داور بخش بین‌الملل جشنواره بخواهد در کنار کودکان و نوجوانان به دیدن فیلم بنشیند. او می‌داند که سینمای کودک را باید از نگاه آنان و در کنار آنان دید، تا به درک درستی از انتخاب و سلیقه‌شان دست یافت.

پوران در خشنده، مهتاب کرامتی و حامد بهداد در حاشیه جشنواره



استاد ناصر طهماسب کتاب خود را به پوران در خشنده اهدا می‌کند

مراسم رونمایی از کتاب «صیبات مهد کودک»



ترجمه: حسین عیدی‌زاده، عطیه سالارمنش
عکس: حامد ملک‌پور
ویراستار: شیدا محمدطاهر
حروف‌نگار: تبسم ده‌نمکی
چاپ: چاپخانه رضوی
توزیع: رسول صادقی، خلیل خالقی
پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی جشنواره: www.icff.ir

مدیر مسئول: سیداحمد میرعلایی
سردبیر: نصرت‌الله تابش
دبیر تحریریه و اجرایی: میثم محمدی
گرافیک: علی سمیعی مقدم
خبر و گزارش: عسل آذرپور
احمدرضا غنی، سولماز غلامی، حسین ارومیه‌چی‌ها
تحریریه: مازیار فکری ارشاد، صوفیا نصرالهی، نزهت بادی، جواد قاسمی، صدرا بکتاش